

وضعیت موقوفات شهر اصفهان و پراکندگی جغرافیایی آن در دوره قاجار

دکتر سهیلا ترابی فارسانی^۱

عطیه سادات طباطباییان^۲

چکیده

وقف که در همه دوره‌های تاریخی موجب رونق پرخه فرهنگی و اجتماعی شده در دوره قاجار وضعیت متفاوتی می‌یابد، موقوفات این دوره در مقایسه با دوره صفوی از نظر میزان و کیفیت، از یک سو با کاهش روزافزونی روبرو شد و از سوی دیگر مراکز و مجتمع‌های وقفی دوران پیشین نیز با خرابی عمده‌ای از سوی دولتمداران مواجه گشت و در واقع نهاد وقف دو جنبه مورد بی‌مهری واقع شد. از نظر میزان پراکندگی جغرافیایی بیشترین تعداد موقوفات و رقبات آن در مرکز و بازار شهر اصفهان تمرکز یافته است. بر این اساس موقوفات از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

دسته اول، موقوفاتی که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارند مانند ایجاد بناهای مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، آب‌انبارها، حمام‌ها، تکایا، قسمتی از بازارهای شهر، سقاخانه‌ها و غیره. دسته دوم موقوفاتی که مستقیماً جنبه عمرانی ندارند، بلکه کمکی است به انسان‌های محروم جامعه و در واقع اساس فقرزدایی انسان‌ها، مانند: هزینه‌های تحصیلی، نشر فرهنگ اسلامی، اهداء کتب، کمک به نیازمندان و تمامی آنچه جامعه شهری و روستایی در بُعد رفاه اجتماعی به آن نیاز دارد. از این نظر ما دنباله‌رو سنن قدیمی در نهاد وقف هستیم.

واژگان کلیدی: وقف، موقوفات، کارکردها، اصفهان، قاجار.

۱ استادیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

asaltabatabay@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد تاریخ

مقدمه

دولت جاوید یافت هر که نکو نام زیست
 کز عقبش ذکر خیر ، زنده کند نام را

دولت قاجار فاقد آن تمرکز و توجهی بود که پادشاهان سلسله صفوی در اداره امور اوقاف داشتند. مقایسه موقوفات این دو دوره تاریخی نزدیک به هم ، یادآور برخی توصیفات است. تنها در اصفهان عصر صفوی که پایتخت و شهری باشکوه و بزرگ به شمار می رود در حدود یکصد موقوفه قابل ملاحظه وجود دارد و این به جز موقوفات جزئی و متفرقه است. بر طبق اسناد و مطالبی که در کتب و منابع این دوره بیان شده است ؛ اوقاف شهر اصفهان دوره قاجار دچار وضعیتی بسیار آشفته و ناگوار گردید و دست موقوفه خوران در تعرض و تعدی به موقوفات باز شد. علاوه بر این لشکرکشی ها و مسافرت برخی پادشاهان این سلسله ، قحطی و خشکسالی های شدید و چند ساله ، ویرانی برخی ابنیه و آثار گذشتگان و یا تنبیر کاربری آنها توسط ظل السلطان بر این آشفته گی دامن زد.

اگرچه در دوره ناصرالدین شاه و صدراعظمی سپهسالار تلاشی در جهت رسیدگی به موقوفات و تعیین سرپرست برای آنها آغاز شد اما کوتاهی عمر اصلاحات و عدم همکاری با آن در ناکامی برنامه ها تأثیرات عمیقی بر جای گذاشت. در زمان مظفرالدین شاه و محمد علی شاه به دلیل کوتاه بودن دوران حکومت آنها و گرفتاری های کشور و تحولات مربوط به جنبش مشروطه و استبداد صغیر ، به مسأله اوقاف رسیدگی چندانی نشد. هر چند پس از استقرار مشروطیت قوانینی برای اوقاف وضع شد. دوره دوم مجلس از بهترین دوره های قانونگذاری در زمینه اوقاف و معارف کشور بود. در آغاز همین دوره ، وزارت معارف تلاش کرد تا با تحت نظارت درآوردن مدارس موقوفه و تشکیل شورای عالی معارف ، موضوع استفاده از عواید موقوفات برای تأسیس مدارس دولتی را مطرح کند ؛ اما تمامی برنامه ها با شروع جنگ جهانی اول و ایجاد اغتشاش و هرج و مرج در کشور بی نتیجه ماند.

۱. اصفهان

اصفهان لفظی است معرب از کلمه اسپهان که در اواخر قرن دوم هجری اعراب پس از صد و پنجاه سال از فتح آن ، نام اصفهان را بر آنجا گذاردند. میر سیدعلی صاحب کتاب الاصفهان به نقل از کتاب محاسن مافروخی که او نیز از حمزه اصفهانی - صاحب کتاب، تاریخ اصفهان - نقل می کند که این شهر ابتدا «جی» خوانده می شده است.

چون سلاطین محل اجتماع قشون خود را چه قبل از اسلام و چه در دوران فتوحات اعراب در این

ولایت قرار دادند؛ به اسم «سپاه ان» یعنی محل سپاه معروف شد و شهر محل مخصوص که دارای اسم سپاهان باشد تا قرن دوم هجری نبوده و بعدها شهر اصفهان (اسپاهان) در آنجا ساخته و بنا شد. پس از هزار و دویست سال آبادانی شهر جی تا قرن دوم هجری با اتصال به کوشک، کزان، دردشت و جوپاره و با یک حصار جدید، شهر مدینه الاصفهان بنا شد و شاردن نیز به نقل از ابوالفرج اصفهانی می نویسد که در سوابق اصفهان به دو منطقه جی (شهر قدیمی) و اليهودیه یا جوده (شهر جدید) که توسط مهاجرین یهود به نام وطن خویش نامگذاری کرده بودند تقسیم شده است.

شهر بزرگ مدینه الاصفهان در زمان آل ابی دلف و آل زیار (مرداوچ دیلمی) و آل بویه (عماد الدوله) و ملکشاه سلجوقی و تاتار و آق قونیلو (حسن بیک، یعوب بیک، رستم بیک) مقر سلطنت و دارالحکومه بوده است. قدیمی ترین منبع تاریخی که از موقوفات شهر اصفهان سخن به میان آورده کتاب «محاسن اصفهان» تألیف مافروخی در قرن پنجم هجری است. وی در این مورد می نویسد: «علاءالدین کاکویه در سال ۳۹۷ هـ ق به عمرانی و آبادانی شهر اصفهان پرداخت و محلات جدیدی بر آن افزود. شهر دارای کاروانسراهای عالی و مساجد خوبی بود که اغلب آنها موقوفه بودند.»^۱

موقوفات آن دوره در اطراف میدان میر (از بین رفته) و کوچه نمکی فعلی اصفهان و در بخش بازار قدیمی شهر در مجاورت مسجد جامع بوده که جزء قدیمی ترین ناحیه بافت شهری محسوب می شود.^۲

مافروخی از موقوفات خواجه نظام الملک در دوره تصدی وزارت ملکشاه سلجوقی نیز توصیفاتی دارد: «در مدت ایام دولت هر هفته و هر ماه محلتی یا کوچه ای یا بازاری اعادت می نمود چنان که مدرسه ای نزدیک جامع بزرگ بر محله دردشت بنا نمود ... و ضیاع بی شمار بر آن وقف، چنان که هر ساله مبلغ ده هزار دینار محصول و مستغلات و موقوفات بوده ...»^۳

اما به تدریج این شهر به خرابی گرایید تا سال ۱۰۰۴ هـ ق که سلاطین صفوی آن را مرکز حکومت خود قرار داده و به آبادانی آن اهتمام ورزیدند. در زمان حکومت قاجار که تهران مرکزیت سیاسی یافت، اصفهان اگرچه مدتی اهمیت و رونق خود را از دست داد اما همچنان مورد توجه پادشاهان این سلسله بود و از سوی دارالخلافه افراد و بزرگان دولتی و درباری به منظور اداره آن فرستاده می شدند. چنانچه ظل السلطان شاهزاده قجری - فرزند ناصرالدین شاه - حدود ۳۵ سال حکومت اصفهان و ایالات دیگر را در دست داشت.^۴ اما در دوران حکومت وی انحطاط شهر اصفهان به نهایت خود رسید.

ویرانی آثار و ابنیه عصر صفوی در زمان او بیش از سایر ادوار تاریخی است و فروش مصالح ابنیه برای تأمین مخارج قشون از اقدامات اوست.^۵

۲. جمعیت اصفهان

مطالعه جمعیت شهر اصفهان دوره قاجار از دو جهت حائز اهمیت است. آیا توازن میان جمعیت شهر اصفهان عصر قاجار با تعداد مؤسسات و نهادهای اجتماعی، فرهنگی، درمانی، و مراکز از این دست وجود داشته و اینکه چه تعداد از واحد های اجتماعی - فرهنگی در این دوره، وقفی بوده است؟ میرزا حسین خان تحویلدار^۶، کل جمعیت اصفهان را در سال ۱۲۹۴ هـ ق - نخستین سال های حکومت ظل السلطان - بیش از ۵۰/۰۰۰ نفر نمی داند در حالی که در دوره صفوی ۷۰۰/۰۰۰ نفر و در زمان فتحعلی شاه ۲۵۰/۰۰۰ نفر و در زمان محمد شاه ۱۷۰/۰۰۰ نفر بوده است. دالمانی در سفر سوم خود به سال ۱۳۲۳ هـ ق به نقل از عمال دولتی جمعیت شهر را ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر رقم می زند.^۷ از مشخصات بارز عصر قاجار در اداره امور و خدمات شهری، وجود کدخدایان بوده که زیر نظر داروغه انجام وظیفه می کرده اند و چون برخی از محلات شهر جمعیت خود را از دست داده بودند، دو سه محله به وسیله یک کدخدا اداره می شد.^۸ از این مطالعه اجمالی در می یابیم که جمعیت شهر اصفهان در زمان قاجاریه پیوسته سیر نزولی داشته، از وسعتش کاسته شده و بر خرابی هایش اضافه شده است.

مشاغل رایج شهر اصفهان طبق آمار اصناف در سال ۱۲۸۷ هـ ق: عطار (۱۷ نفر)، میوه فروش (۲۶۰ نفر)، بقال (۲۴۰ نفر)، سقط فروش (۱۸۶ نفر)، تنباکو فروش (۱۵۰ نفر)، بزاز (۱۵۲ نفر)، دستفروش (۶۵ نفر)، سمسار (۲۰ نفر)، صراف، صحاف، نساج، شرباب، عباباف، چرم دوز، صباغ، حکاک، خراط، کلاهدوز، گرجی دوز. تحویلدار نیز در اثر خود حدود ۱۹۹ پیشه را توصیف کرده است و با توضیح این مطلب که جذب بازار رو به گسترش تهران موجب مهاجرت برخی از تجار به پایتخت شده، به وضوح زوال پیشه ها را در اصفهان عصر قاجار نشان می دهد.^۹

از مطلب فوق می توان به این موضوع پی برد که تجمع توانمندان جامعه و وقف بخشی از اموال آنها در مکان سکونتشان (تهران) سبب تجمع مجتمع های وقفی و تمرکز مراکز وقفی عظیمی شده است. مانند مدرسه و مسجد دروازه دولت (توسط مهدعلیا)، مدرسه و کتابخانه سپهسالار، مدرسه خان مروی و مراکز دیگری که از سوی واقفان تأسیس و مخارج آن تأمین می گشت.

۳. پراکندگی جغرافیایی موقوفات شهر اصفهان در دوره قاجاریه

تعمین و ارائه اطلاعات دقیق آماری در سازمان های اوقاف به دلیل کشمکش های بزرگی که بین سازمان اوقاف و موقوفه خواران وجود دارد، مقدور نیست و از سوی دیگر، موقوفاتی که درآمدی ندارند و به صورت پراکنده در شهر توزیع شده اند و در حقیقت فاقد رقبه هستند هیچ گونه وابستگی عملکردی در فضای شهری ندارند. اما با مطالعه میدانی بر موقوفات می توان دریافت که بافت های قدیمی و سنتی در مقایسه با نواحی جدید شهر اصفهان دارای موقوفات بیشتری هستند. البته باید به این نکته توجه داشت که ارزش موقوفات به رقبات آنهاست. در حقیقت، رقبات هر موقوفه است که موقوفات را حفظ و به پایداری آنها کمک می کند و آثاری از معماری های هر دوره را معرفی می کند. پراکندگی جغرافیایی بناهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می کند، به طوری که یک موقوفه با چند رقبه، مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، بازار، حمام و غیره در کنار هم قرار دارند، مکان یابی آنها چنان نظم کالبدی و فضایی ارزنده ای به فضاهای شهری می بخشد که توجه معماران و شهرسازان قرن بیستم را به خود جلب کرده است.

در این قسمت تلاشی می شود موقوفه های مختلف در محلات مختلف شهر اصفهان را مورد شناسایی و بررسی قرار دهیم. به منظور آشنایی هر چه بیشتر با موقوفات اصفهان دوره قاجاریه، می بایست آگاهی کامل از محدوده جغرافیایی شهر، بازارها، مساجد و محلات شهری داشته باشیم تا با رجوع به وقف نامه ها و ذکر محل موقوفات دچار سردرگمی نشویم. به طور کلی عایدات موقوفات رامی توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: موقوفاتی که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارند مانند ایجاد بناهای مساجد، مدارس، کتابخانه ها، بیمارستان ها، آب انبارها، حمام ها، تکایا، قسمتی از بازارهای شهر، سماخانه ها و غیره.

دسته دوم: موقوفاتی که مستقیماً جنبه عمرانی ندارند، بلکه کمکی است به انسان های محروم جامعه و در واقع اساس فقرزدایی انسان ها، مانند: هزینه های تحصیلی، نشر فرهنگ اسلامی، اهداء کتب، کمک به نیازمندان و تمامی آنچه جامعه شهری و روستایی در بُعد رفاه اجتماعی به آن نیاز دارد.

مهم ترین سؤال اصلی این است که کیفیت پراکندگی موقوفات شهر به چه صورت بوده است؟ و سؤالات دیگر در کنار سؤال اصلی این است که آیا موقوفات در مناطق خاصی از شهر تمرکز داشته و

اگر پاسخ سوال مثبت است علت چیست؟ روحانیت و تجار در این زمینه چه نقشی ایفا می کردند؟ فرض اصلی در این پژوهش بر این استوار است که رابطه مستقیم بین موقوفات و پراکندگی محل های موقوفات (مرکز شهر یا حومه شهر) وجود داشته است.

در اغلب شهرهای سنتی ایران همچون اصفهان، بخش بازار دارای تراکم موقوفات بیشتری است که بیشتر آنها شامل مراکز مذهبی مانند مساجد، مدارس، تکایا، کاروانسراها، سقاخانه ها، امام زاده ها می شوند که دارای رقبات بسیاری هستند و در سطح بازار و بیرون از آن پراکنده اند. برخی از رقبات دوره قاجار در کنار موقوفات خود قرار دارند و به صورت یک مجموعه به هم پیوسته هستند. این نوع موقوفات به صورت مجتمع های بزرگ وقفی هستند و فضاهای وسیعی را به خود اختصاص داده اند مانند مدرسه صدر، مسجد سید.

۴. محدوده جغرافیایی شهر اصفهان در دو قرن سیزده و چهارده هجری

از قرن چهارم تا عصر شاه عباس اول، شهر اصفهان از دو محله به نام های جوپاره (جوبیاره) و دردشت تشکیل شده بود. به این نکته باید اشاره شود که در طول تاریخ نوسانات اقتصادی و نا امنی گاهی به نابودی محلات منجر گردیده و زمان دیگر با شکوفایی های اقتصادی، دوباره آباد گشته اند. در این مورد شیخ جابری انصاری می نویسد: «اصفهان به ویژه محلات عباس آباد، مستهلک، چرخاب، صالح آباد و اطراف چهارباغ کهنه و نو، همه خانه بودند و مساجد، مدارس و تکایای بسیار داشته که در فتنه افغان، دوره نادر و قاجار و قحطی و سختی های زمان آغامحمدخان قاجار و غیره همه از میان رفته و تنها نامش باقی مانده است»^۱.

میرسیدعلی جناب - نویسنده کتاب الاصفهان - محلات شهر را در ۱۲۹۷ هـ ق به شرح ذیل تقسیم می کند:

بخش شرقی که به نعمت خانه شهرت دارد:

خواجه و باغ کاران، محله باغات، ترواسکان، باقلعه، شیخ یوسف، یزدآباد، احمدآباد و کران، میدان میر و دارالبطیخ، گلبار و میدان قدیم، جوپاره، لتور، گود مقصود بیگ، چنار سوخته، شهشهان، بیرون دروازه سید احمدیان

بخش غربی که به حیدر خانه شهرت دارد:

دردشت، جماله کله، نیم آورد، مسجد حکیم، باغ همایون، دروازه نو یا درب عباسی، بید آباد،

درکوشک یا باب القصر ، شمس آباد ، محله نو ، چهارسو شیرازی ها و لنبان. وی محلات شهر را طبق تعریف اداره کمیساریا در ۱۳۴۳ هـ ق به شرح ذیل تقسیم می کند: در این تاریخ شهر با دو خط تقریبی از شمال به جنوب و از غرب به شرق که در وسط شهر یکدیگر را قطع می کنند به چهار ناحیه تقسیم می شود:

جنوب غربی:

الیاداران ، لنبان ، چهار سوق کوچک ، خیابان خوش ، چهار سوق شیرازی ها ، پای نارون ، جوب شاه ، مستحلک ، شمس آباد ، چهارباغ ، پشت مطبخ ، درب کوشک و مسجد حکیم.

شمال غربی:

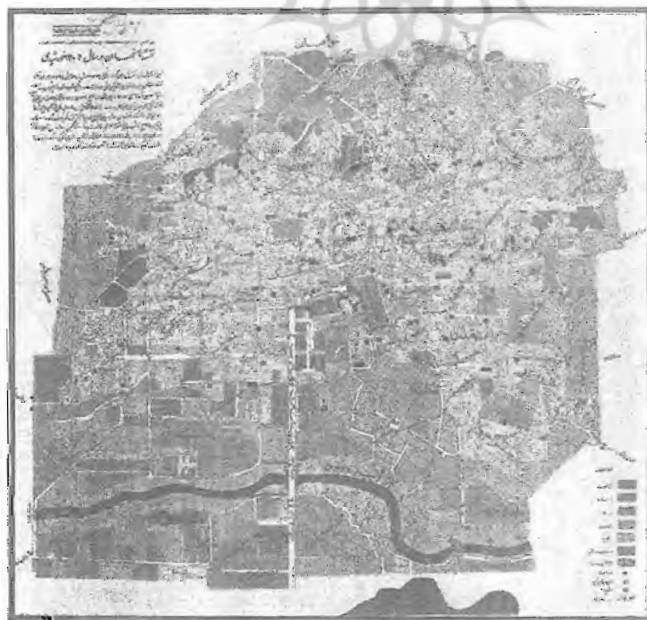
محله نو (مشترک) ، مسجد حکیم ، درب کوشک (مشترک) ، شیش بیدآباد^{۱۱} ، پاچنار ، قبله دعا ، مورنان ، دروازه نو ، باغ همایون ، سینه پایینی ، نیم آورد ، جماله کله ، دردشت و شهشهان.

شمال شرقی:

طوقچی ، شهشهان (مشترک) ، دردشت (مشترک) ، جماله کله (مشترک) ، بازار ، جو باره ، گل بار ، مسجد جامع ، میدان میر ، لتور ، سید احمدیان و پایین دروازه.

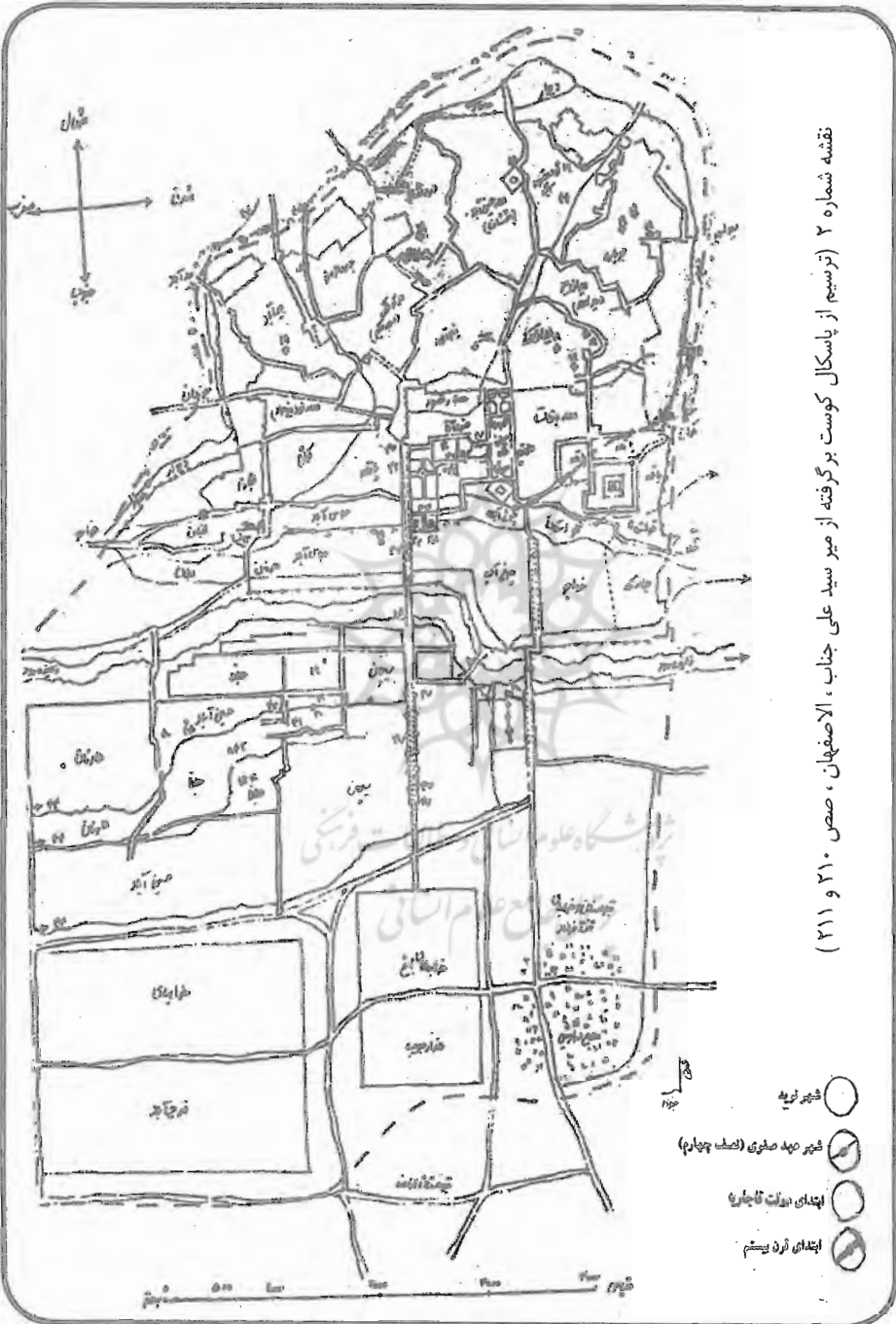
جنوب شرقی:

پاقلمه ، کران ، دارالبطیخ ، تلواسکان ، خواجو ، حسن آباد ، قصر منشی باقلا فروشان ، تخت گنبد ، گلبار ، دروازه کله (گویند مناره ای که تیمور از سر اصفهانیان ساخته در این مکان بوده است) ، یزدآباد ، احمدآباد ، حصار پشت مسجد شاه و پشت مطبخ.^{۱۲}



نقشه شماره ۱
(سید رضا سلطان)

نقشه شماره ۲ (ترسیم از پاسکال کوست برگرفته از میر سید علی جناب، الاصفهان، صص ۲۱۰ و ۲۱۱)



اصفهان دارای چهارده دروازه بوده با نام های: دروازه مارنان ، دروازه سه پله ، دروازه الیاداران ، دروازه چهاررو ، دروازه دردشت ، دروازه طوقچی ، دروازه جوزدان ، دروازه بیدآباد (سمت غرب و شمال شهر). دروازه جویباره ، دروازه سیداحمدیان ، دروازه کران ، دروازه ظلله ، دروازه خواجو ، دروازه چهار باغ (سمت شرق و جنوب شهر)

از دروازه خواجو ، خیابان بزرگ مرکز شهر آغاز می شده و ابتدای آن چهار باغ معروف به صدر است ، (امروز : چهار باغ صدر) که به فتح آباد نیز موسوم است.^{۱۳} سمت شرق چهارباغ صدر محله خواجو واقع است. این خیابان به سمت شمال امتداد دارد و از نزدیکی های مسجد جامع عباسی و کنار میدان نقش جهان بازار آغاز می شود که بازار بزرگ شهر است و تا مسجد جامع عتیق امتداد دارد و بازار در آنجا به انتها می رسد. از انتهای بازار خیابانی است که تا دروازه طوقچی امتداد دارد. زمان سلاطین صفوی ابتدای بازار از دروازه حسن آباد (علت شهرت آن به حسن آباد به دلیل قصری و موقوفاتی که است که اوزون حسن در این محل بنا نموده بود) آغاز می شده و پایین محله خواجو و داخل شهر بوده و آن را بازار نقش جهان می نامیدند و منتهی به دروازه طوقچی می شده است.^{۱۴} ندیم الملک که اثر خود را ۸ سال پس از انقراض سلسله قاجار منتشر کرده محلات شهر اصفهان را ۱۷ و دروازه های آن را ۸ باب دانسته است به قرار زیر: دروازه های حسن آباد ، کران ، سید احمد ، جویباره ، دروازه دولت ، لنبان ، طوقچی و باب الدشت.^{۱۵} این دروازه ها که با آهن زنگ زده ای فراهم شده بوده محله های شهر را از یکدیگر جدا می کرده است.^{۱۶}

نجم الملک در سفرنامه خود درباره کیفیت بنا های وقتی شهر اصفهان چنین یاد می کند: «در محله خواجو چهار سوق نقاشی ، مدرسه ای منسوب به مریم بیگم مادر شاه صفی است که مدرسه خوبی بوده و بر کتیبه ای از کاشی صورت موقوفات و شروط تحصیل طلاب و شرح موقوفات را به خطی خوش نقش نموده اند حالا آن مدرسه خراب و بایر افتاده ، حتی سرایدار ندارد ؛ سقف ها همه ریخته ، موقوفات همه پابرجاست ، به تصرف برخی آقایان شهر که دیناری از آن صرف موقوفه نمی رسانند و از این مقوله در اصفهان بسیار دیدم».^{۱۷}

از ۱۵۷ محله و کوی کوچک و بزرگ که در حال حاضر باقی است ، ۳۱ محله به نام شخصیت های معروف نام گذاری شده است^{۱۸} و اغلب آنها اسامی واقفان را بر خود دارند. البته منظور وقف تمام محله نیست ، بلکه تنها هسته های اصلی و مرکز محلات که مساجد ، حمام ها ، بازارچه و

گاهی حسینیه، کاروانسراها و سقاخانه و چاه آب تشکیل دهنده آن است و معمولاً اشخاص خیر و توانگر این بناها را می ساختند و آنها را وقف می نمودند و از درآمد واحدهای اقتصادی چون حمام، بازارچه و کاروانسرا مخارج حفظ و نگهداری همین بناها را تأمین می کردند و حتی اسم خود را بر روی همین محلات می گذاشتند.

نخستین نقشه جغرافیایی شهر اصفهان ۱۴۳ سال قبل توسط شخصی به نام «پاسکال کوست» تهیه شده است. این نقشه در کتابی به نام *Monuments modernes de la perse* به سال ۱۸۶۷ م. در پاریس به چاپ رسیده است. نقشه پاسکال کوست با اصول صحیح نقشه برداری تهیه شد و طرح کلی آن با نقشه های فعلی فرق کمی دارد. نقشه مزبور دارای ۶۹ علامت است که اطلاعات کافی در اختیار مطالعه کنندگان می گذارد و می توان آن را اولین و قدیمی ترین نقشه کامل اصفهان دانست. از نکات جالب و برجسته نقشه ذکر نام محلات شهر اصفهان با ذکر تمداد واحدهای مسکونی و مخروطه است.^{۱۹}

نقشه دیگری از شهر اصفهان در اواخر حکومت قاجار تهیه شد و از مشخصات بارز آن نمایش دقیق محلات، خیابان ها، کوچه های اصلی و در نهایت بررسی دقیق تر مراکز تجمع موقوفه ها می باشد توسط سیدرضاخان (سلطان) در سال ۱۳۴۲ ه. ق (۱۳۰۲ ش) در مقیاس ۱:۴۰۰۰ به ابعاد ۱۲۵ × ۱۳۳ سانتی متر تهیه شد و به تعداد بسیار محدودی به چاپ رسید. بر روی این نقشه می توان مراکز مختلف زیر را مشاهده نمود:

مساجد ۱۰۹ باب، مدارس ۲۳ باب، تکایا ۱۷ باب، امامزاده ها ۱۹ باب، حمام ها ۸۵ باب، کاروانسرا و تیمچه ۱۳۵ باب، یخچال ۲۱ باب، آسیاب ۱۰ باب، مراکز دولتی ۱۷ باب، دروازه های شهر ۱۶ باب که ۱۳ باب آن به اسم دروازه های عوارضی (نواقلی) مشخص گردیده و ۳ باب آن بین دروازه احمدآباد و طوقچی بدون علامت بوده است.^{۲۰}

۵. وضعیت سیاسی - اجتماعی شهر اصفهان در دوره قاجاریه

به منظور روشن شدن وضعیت موقوفات دوره قاجاریه در شهر اصفهان ابتدا می باید تاریخچه ای مختصر از ورود این سلسله بر عرصه تاریخی شهر اصفهان بیان داشته، با تأثیر روند سیاسی بر بافت شهری، محلات، بازارها و موقوفات و به طور کلی مبنای این تحولات آشنا شویم. اصفهان تا سال ۱۲۱۷ ه. ق به دلیل رفت و آمد قشون زند و قاجار رو به ویرانی نهاده بود. تا اینکه

در زمان حکومت فتحعلیشاه (۱۲۱۴-۱۲۵۰ هـ ق) اداره این شهر به میرزا حبیب الله خان امین الدوله واگذار گردید. امین الدوله مانند پدر در ایام حکمرانی خویش به آبادانی علاقه فراوانی داشت و روستاهای بسیاری به نام امین آباد از او به یادگار ماند. شاهزاده سلطان محمد میرزا سیف الدوله^{۲۱} در سال ۱۲۴۰ هـ ق به جای عبدالله خان امین الدوله حاکم اصفهان شد و تا سال ۱۲۵۲ هـ ق در این منصب استقرار داشت تا اینکه در اوایل حکومت محمدشاه قاجار خسروخان گرجی حاکم اصفهان گردید.^{۲۲} چند سالی پس از حکومت محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۳ هـ ق) اصفهان به دلیل ضعف حکومت این پادشاه و صدر اعظم وی میرزا آقاسی دوباره رو به ویرانی نهاد؛ تا اینکه حکومت اصفهان در ۱۲۵۵ هـ ق به منوچهرخان گرجی معتمد الدوله واگذار شد. او به احیای اراضی اموات و احداث قنوات به طور مجدانه همت گمارد. اما دوباره به دلیل تغییر سیاست های دارالخلافه، معتمدالدوله در سال ۱۲۶۳ هـ ق از حکومت عزل گردید، اموالش مصادره شد و خواهر زادگانش را به رتبه و رابطه راضی نمودند. سیف الدوله و معتمد الدوله هر دو از حاکمان لایق و محبوب اصفهان بودند که در حفظ ابنیه و عمارات بر جای مانده از عهد صفوی توجه به سزایی داشتند.^{۲۳}

پس از معتمدالدوله، ظل السلطان به همراه بستگانش همچون مرتضی خان - برادرزنش - به ظلم و تمدی پرداختند و بسیاری از املاک و زمین های مردم را که حتی جزء موقوفات بود به نام خالصه جات دیوانی ضبط نمودند. یکی از دلایل نارضایتی و بیزاری مردم اصفهان از ظل السلطان که به جهت آن در سال ۱۳۲۵ هـ ق به کنسولگری انگلیس پناهنده شدند و خواستار عزل ظل السلطان گردیدند، تعدیاتی ری به اموال شخصی و موقوفات است. او همچنان تا سال ۱۳۳۶ هـ ق (زمان مرگش) حکمران اصفهان بود و از این سال تا ۱۳۴۴ هـ ق که با تشکیل کابینه سردار سپه، مجلس، سلطنت قاجار را منقرض و حکومت رضاخان را تأیید نمود، اصفهان توسط انجمن های ایالتی اداره گردید.^{۲۴}

قحطی و خشکسالی شدید که در زمان محمدشاه و ناصرالدین شاه رخ داد، دولت را مجبور کرد جهت حفظ اراضی به کشاورزان بذر دهد تا املاک خویش را رها نکنند این موضوع بتنها سبب ثبت اراضی با نام خالصه جات بذری گردید و تأثیر سویی بر زمین های وقفی گذارد. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ ق) حکومت اصفهان به میرزا عبدالحسین - وزیر پیشکارمالیه - به همراه چهارده هزار تومان نقد به منظور احیاء اصفهان واگذار گردید. او نیز نه تنها به عمران شهر نپرداخت بلکه با محمد علیخان همدست شد و با روی آوردن به یاغی گری به تخریب باقی مانده

اراضی آباد اصفهان پرداخت. جابری انصاری در این مورد می نویسد: «هزار قریه و مزرعه مغروبه و معدومه و غیر مزروعی از اربابی و وقفی و خالصه در ثبت اصفهان نوشته ۱۴۰۰۰ تومان نقد و ۱۰۰۰ خروار جنس از مالیات به میرزا عبدالحسین وزیر پیشکار مالیه مساعدده دادند. تا آنچه را بتواند احیاء کند. یک دینارش را صرف دهات نکرد. همه را سرب و باروت خرید و با نواب ها و محمد علیخان همدست شده و یاغی گری کرد و باقی مزارع و دهات آباد اصفهان را نیز مغروبه کردند».^{۲۵}

در محلات عباس آباد، مستهلک، چرخاب، صالح آباد و اطراف چهارباغ کهنه و نو که پیش از این همه خانه و مساجد و تکایا بود، همگی ویران شدند.^{۲۶} به دلیل دشمنی میان میرزا عبدالحسین و میرزا عبدالوهاب گلستانه بسیاری از محلات شهر اصفهان رو به ویرانی نهاد.

در زمان صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر و ریاست عاقلانه و سیاست عادلانه وی اصفهان آباد گردید. پس از شهادت میرزا به دلیل تجاوز عمال دولتی و اُفت میزان محصولات کشاورزی و قحطی عظیم سه ساله در اصفهان، بلاد و قصبات رو به ویرانی نهاد تا جایی که در تاریخ آثار مخرب آن ثبت گردید:

گرانی که آدم خوری باب گشت هزار و دویست است و هشتاد و هشت

اوضاع اصفهان در این دوره به خرابی و آشفتنگی نهاد. خصوصاً از سال ۱۲۷۷ تا ۱۲۸۸ به طور متوسط هر دو سال یکبار خشکسالی سراسر کشور را فرا گرفت و در خشکسالی معروف ۱۲۸۸ حدود ۱۸ ماه باران نبارید و به جای آن وبا سراسر کشور را فرا گرفت و به قولی حدود دو میلیون نفر در آن سال مردند.^{۲۷} در این سال ها اصفهان چنان بی اهمیت شده بود که سال ها زیر نظر حکمران خراسان حسام السُلطنه (والی خراسان و اصفهان) اداره می شد و حسین قلی خان مافی به عنوان منصب پیشکاری در اصفهان انجام وظیفه می کرد.^{۲۸}

۶. تأثیر حکمرانی ظلّ السُلطان بر روند وقف در شهر اصفهان

از آنجایی که دوران حکومت ظلّ السُلطان در اصفهان طولانی مدت تر از دیگر حکمرانان دولت قاجار بود، و از سوی دیگر وی، فرزند ناصرالدین شاه ظلّ الله و دست پرورده قهرها بود، بازتاب عملکرد وی معرف طرز تفکر، هویت و نمونه ای از شیوه مملکت داری دولتمردان قاجار است.

مسعود میرزا ظلّ السُلطان (۱۳۳۶ - ۱۲۶۶ ه.ق) برای نخستین بار در سن هیجده سالگی به منصب پیشکاری حکومت اصفهان رسید (۱۲۸۵ - ۱۲۸۳) و لقب یمین الدوله دریافت کرد. سپس با لقب ظل

السلطان حکمرانی بر ایالت فارس به وی سپرده شد. وی بار دوم در سال ۱۲۹۱ هـ ق به طور مستقل حکمران اصفهان شد و همزمان حکومت ولایات جنوبی را بر عهده داشت. وی مشیرالملک انصاری را به عنوان مشاور و پیشکار خود تعیین نمود. اگرچه ظل السلطان به ستم پیشگی بیشتر شهرت دارد تا رعایت عدل و انصاف^{۲۹}؛ اما وی پایه گذار برخی تشکیلات اداری و آموزشی در شهر اصفهان بود و تلاش می کرد هر آنچه در پایتخت پدرش وجود دارد نظیر آن را در اصفهان ایجاد کند. از جمله می توان موارد ذیل را نام برد:

تأسیس مدرسه دولتی نظام به تقلید از دارالفنون؛

دایر کردن روزنامه دولتی «فرهنگ»؛

بنای «تکیه دولت» به منظور برگزاری مراسم تعزیه داری شبیه تکیه دولت تهران؛

تأسیس عمارت توپخانه و تشکیلات نظامی با لباس ها و نشان های رسمی^{۳۰}

اما ویرانگری های ابنیه عصر صفوی و تصرف اراضی موقوفه به نفع دولت قاجار، به ویژه در دوران حاکمیت ظل السلطان (۱۳۲۵ - ۱۲۹۱ هـ ق) قلب هر ایرانی فهیمی را به درد می آورد چنانکه سید جمال الدین اسدآبادی هنگام حضور در شهر اصفهان از شنیدن خبر تخریب ساختمان های دوره صفویه بسیار متأثر شده و عاملان این کار را مورد مؤاخذه قرار می دهد.^{۳۱} شایان ذکر است در اواخر این دوره در حدود بیست مدرسه از عهد صفوی در اصفهان خراب شد که تنها چهارده مدرسه در محلات خواجو و عباس آباد واقع شده بودند.^{۳۲}

با گزارشی که جابری انصاری از تخریب بناها می دهد می توان دریافت که تخریب بخش اعظم ابنیه عصر صفوی که جزء موقوفات بوده و کاربری فرهنگی - اجتماعی داشتند چه ضایعه جبران ناپذیری در تمامی شئون زندگی اجتماعی اصفهانی ها باقی گذاشته است. شواهد نشان می دهد که از ابتدا تا پایان حکومت قاجار بسیاری از آثار تاریخی ارزشمند اصفهان عصر صفویه نابود شده است. از این میان می توان به مدرسه سلطانی، کاروانسرای مدرسه چهارباغ، مدرسه دده، مدرسه خانم، عمارت آیینه خانه، هفت دست، نمکدان، کشکول و کاخ های باغ سعادت آباد اشاره کرد.^{۳۳} همچنین در «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» آمده است: برخی محلات شهر مانند ظلّه، چرخاب، حسن آباد، عباس آباد تمام خراب شده است و بعضی دیگر در حال تخریب است.^{۳۴}

در خصوص کاروانسرای مدرسه چهارباغ (سرای فتحیه) باید گفت این کاروانسرا که خود جزئی از

رقبات مدرسه چهارباغ بوده، بخشی از مخارج مدرسه را تأمین می کرده است. در وقف نامه چهل صفحه ای که در سال ۱۱۲۳ قمری راجع به این رقبه نوشته شده، به این مسأله اشاره شده است: «تمامی قطعه زمین مصیبه واقع در جنب مدرسه رفیبه مبارکه مزبوره و حجرات کاروانسرای جدید مینی است در اراضی مذکوره با عمارات و حجرات و سایر اعیانات مستحدثه».^{۲۵} این کاروانسرا پس از تعمیر به دست ظل السلطان به پادگان سواره نظام تبدیل شد و از آن پس تا سال ۱۳۴۲ ق که سید رضا سلطان نقشه اصفهان را کشیده نام محل را «سربازخانه جنوب» نوشته همچنان کاربری نظامی داشته است.

در مورد مدرسه چهارباغ (سلطانی) نیز باید گفت این مدرسه هم مانند دیگر آثار صفوی عاطل و ویران شد. در عصر حکمرانی ظل السلطان تولیت مدرسه بر عهده سیدالعراقین و فرزندانش قرار گرفت. گرزن که در سال ۱۳۰۷ ق. از اصفهان دیدن می کند هنگام بازدید از مدرسه چهارباغ (با عنوان دانشکده مذهبی نام می برد) با کمال تعجب بخشی از دالان آن را اصطبل غلامان ظل السلطان می بیند و حجره های مدرسه را تقریباً خالی از طلاب می یابد.^{۲۶} برون نیز ضمن اشاره به همین مطلب، مدرسه را دارای ۱۲۰ حجره شمرده که تقریباً دو سوم آن خالی بوده است.^{۲۷} در سال های بعد، پس از دست به دست شدن مدرسه و موقوفات آن بین اعقاب سیدالعراقین و اداره اوقاف، بالاخره ضیاء مدرس پور تولیت مدرسه و موقوفات آن را به عهده گرفت. پیر لوتی که به همراه سفیر روسیه به دیدن ظل السلطان در کاخ آینه خانه می رود در سفرنامه خود «به سوی اصفهان» می نویسد: «این روزها را در اصفهان خراب و بی جان می گذرانم در مسافتی بیش از یک فرسخ؛ خانه ها، کاخ ها و بازار خراب و خالی از سکنه است. در کوچه ها و مساجد روباه ها و شغال ها گودال کنده و لانه درست کرده اند و در هر طرف خرده های خاتم و کاشی خاک شده است».^{۲۸}

نویسنده در توصیف چهارباغ می نویسد: «راه ارتباطی بین اصفهان و جلفا، راه خرابه است گویی که سیصد سال از عمرش می گذرد. تخته سنگ های خیابان از هم جدا شده و بین آنها را علفهای هرزه پوشانده و مدرسه مادر شاه (مدرسه شاه سلطان حسین) رو به ویرانی نهاده و کاشی های آن در حال ریزش است. گویا در این زمان اعیان و اشراف توجهی به حفظ و مرمت آثار تاریخی ندارند».

وی به احتمال قوی سفرنامه شاردن - «م وطن فرانسوی زبان وی - را که حدود دو قرن و نیم پیش به اصفهان سفر کرده و به توصیف آبادانی اصفهان پرداخته، خوانده است و از خرابی و ویرانی و

کسادی شهر در عصر مظفرالدین شاه متحیر شده است. پیر لوتی در ادامه می نویسد: «باید تا شفق در آسمان است به منزل برسیم ، زیرا پایتخت قدیمی شاه عباس زندگی شبانه ندارد و به محض تاریک شدن هوا ، درب کنسول روسیه را می بندند».^{۳۹}

خانم دوران نیز در سفرنامه خود گوشه ای از اوضاع اجتماعی دوران ناصری و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه را نمایان ساخته توصیف او از شهر اصفهان شنیدنی است: «اصفهان پایتخت باستانی ایران برای بینندگان شهری غم افزاست . این شهر دارای ساختمان های ویرانه با دیوارهای شکسته و نقاشی های محو شده و مساجد ویرانی که کاشی کاری های برجسته آن در حال اضمحلال است. باغ های ویران و خیابان ها و میدان های خرابه ای در اینجا وجود دارد. دریغ از آن همه شکوه و زیبایی گذشته این شهر».^{۴۰}

از ویژگی های اقتصادی شهر در این دوره درآمد ناچیز زمین و عدم امنیت ملاکان بوده به همین دلیل ملاکان اعتبار اقتصادی خود را به کلی از دست داده و از جمعیت روستاها به تمداد قابل ملاحظه ای کاسته شده بود. بسیاری از ثروتمندان اصفهانی در عصر حکمرانی ظل السلطان مجبور به مهاجرت به تهران شدند.^{۴۱} انباشت سرمایه در تهران به دلیل حضور تجار اصفهانی در شکل گرفتن بسیاری از نهادهای آموزشی ، اجتماعی ، اقتصادی و غیره به صورت وقف تأثیر غیر قابل انکاری داشته است.

۷. فهرست موقوفات

ردیف	تاریخ وقف	موقوفه	محل	واقف	مصارف
۱	۱۲۲۰	خانات و قطعات عباس آباد	عباس آباد	محمد رضا (آقا) ورتوسفادرائی بن آقا مندعلی	صرف مسجد پناهی ، روشنایی روزه نجف اشرف و امام رضا و خمس سادات و صوم و صلاة واقف
۷۴	۱۲۲۲	دکاکین و کاروانسرای شیشه گرخانه	نیم آورد	بانوخانم بنت آقامحمد	تمامی موقوفات صرف روشنایی عتبات عالیات
	۱۲۲۴	ملک	پاقله ، نیم آورد ، بازار ، خواجه	حاج محمد حسین امین الدوله	صرف بنای مدرسه ، مسجد و کتابخانه

صروف روشنائی ، بوریا ، اجرت خادم ، آبکشی و تممیرات مسجد نو واقع در بازار عربان	سیدهدای و سیدجعفر شیره پز	بازار عربان	دو باب دکان بزازی و یک باب دکان مشک فروشی	۱۲۵۰	۰۶۷
صروف روشنائی ، بوریا ، آبکشی و تممیرات مسجد عتیق	سیدجعفر شیره پز (ابن سیدمهدی حلویایی)	مسجد جامع عتیق اصفهان ، بازار غاز ، بازار حمام شیخ	دکاکین و رقبات (شیره یزی ، خبازی ، قنادی)	۱۲۵۱	۰۵۲
صرف روشنائی مسجد نوروز بنا	محمد(آقا) ابن محمدرضا (آقا)	خارج دروازه سید احمدیان	دکاکین جنب مسجد نوروز بنا (بقالی و طباشی)	۱۲۵۶	۰۱۹
مسجد سید محمدباقر الرشتی	حاج سید محمدباقر الرشتی	بیدآباد		۱۲۶۲	۲۳۹
صرف روضه سیدالشهداء در دهه محرم	حاج محمد کاظم تاجر	دروازه اشرف	دکاکین قرب مسجد ذوالفقار و دروازه اشرف (عطاری و نمذ فروشی)	۱۲۷۲	۰۶۱
صرف تزییه و روضه سیدالشهداء در محرم ، آب و یخ واعانت فقراء و مساکین و افطار درماه رمضان و وجوه بر	محمدکریم بودهی ابن محمد علی	میدان قدیم اصفهان	دکاکین	۱۲۷۴	۰۲۰
صرف روضه سیدالشهداء در تکیه ابوالحسن واقع در محله خواجو ، سقاخانه ، یخ ، آب کتی و دلو و طناب	کهنه فروش (حاجی میرزا) ابن کربلایی ابراهیم	چهارباغ صدر	باغ و دکاکین سنگ بست (دباغی و سلمانی)	۱۲۷۵	۰۵۷
صرف روضه سیدالشهداء	محمدحسین(آقا) و عبدالوهاب (آقا)	بازار غاز	دکان تنباکو فروشی	۱۲۷۵	۲۲۷
صرف روضه سیدالشهداء و اولاد و اصحاب آن جناب	محمدابراهیم تاجر ابن آقا محمدرضا	مسجد جامع عباسی	باغ جنب مسجد جامع عباسی	۱۲۸۳	۱۴۵
صرف روضه سیدالشهداء در دهه محرم و ذکر مصیبت درهرشب ازجمعه های سال	محمد ابراهیم زرگر (ابن حاجی محمد اسماعیل میناکار)	عباس آباد	باغ جنب شاهزاده ابراهیم	۱۲۸۶	۳۸۲

۲۹	۱۲۹۵	ملکی درتلواسکان	تلواسکان	نورالله بن آقاموسی نمل بند	صرف روضه سیدالشهداء
۵۲	۱۲۹۹	باغ و مسینه آلات	جوباره	حاج عبدالحسین تاجر اصفهانی	صرف روضه خوانی ، آب و یخ و گلاب ، روشنائی مسجد جدید البناء
۶۶	۱۳۰۶	باغ ، دکاکین ، تیمچه عطایی ها	جوباره ، بازار غاز ، جمال کله	محمدرضا ابن حاج یوسف اصفهانی	صرف مسجد حاجی محمدجعفر و مسجد نو
۱۷	۱۳۰۶	دکان سلمانی	جمال کله	محمد باقر امامی (حاجی سید)	صرف شمع ، روغن ، چراغ ، حصیر ، چارو و بنایی مسجد محمدجعفر آباده ای مصروف به نادعلی ، آب ، یخ
۱۱۲	۱۳۰۷	زمین های میرزا حسن	چرخاب	محمد رضا تاجر اصفهانی (حاجی آدینه)	صرف روضه سیدالشهداء در ماه محرم و صفر ، اطعام فقرا ، تلاوت قرآن و آب یخ
۲۳۱/۲۲	۱۳۰۹	باغات	شمس آباد	فاطمه بنت آقا نوروزعلی ملک آبادی	صرف روضه سیدالشهداء ، تتمیرات مدرسه شمس آباد ، چراغ ، بوریا و آب یخ سقاخانه مدرسه مزبور
۲۹۹	۱۳۱۲	ملک جنب مسجد جدید عباسی	مسجد جدید عباسی	عباس بن آقا عبدالمجید زارع	صرف روضه سیدالشهداء
۱۱	۱۳۱۶	املاک ده گانه	بید آباد	رضا قلی خان بن میرزا محمدخان امین الدوله	صرف روضه سیدالشهداء ، اطعام مؤمنین

۰۵	۱۳۲۳	دکان های ذغالی	میدان قدیم	محمد حسین علا ف	صدقات و خیرات مطلقه ، بخ ، صرف روشنائی ، خادم و چراغ هر مسجدی که صلاح دانند صرف روضه سیدالشهداء، تلاوت قرآن، صلوات بر ائمه
	۱۳۲۶	چهار باب دکان	خارج دروازه سید احمدیان	عبد اعلی بن آقا محمد حسین دلال	صرف تعمیرات و روشنائی مسجد استاد نوروز و سقاخانه واقع در بازارچه
	۱۳۳۱	دکاکین و کاروانسراها بازار	بازار چهارسوق و حسن آباد	سلیمان بن کاظم (رکن الملک)	صرف روشنائی ، تعمیرات و مصارف خدام مسجد واقف ، صوم و صلاة واقف ، افطاری ماه رمضان ، تأمین لباس و سوخت زمستان فقراء، مخارج ازدواج عرب ها ، تنزیه داری سیدالشهداء و ائمه اطهار، روضه خوانی و سفره ، مخارج تحصیل طلاب علوم دینی ، ساختن مدرسه در شهر سامراء
۶ض	۱۳۳۴	کاروانسرا و دکاکین (شماعی سفیدگری و بقالی)	سنگ سیاه	محمد کریم	صرف علوم دینی و ماشیه ، اطفال ایتم مسلمین و خرجی تحصیل محصلین ، لوازم تحصیل اطفال فقراء ، تنزیه داری سیدالشهداء ، افطاری شب های جمعه ماه رمضان
	۱۳۳۵	نامشخص	خوراسگان	عبد الحسین ابن کلینی ورنوسفادراتی	صرف روشنائی ، حصیر ، دلو ، طناب و تعمیرات مسجد آقا علی اکبر ورنو سفادراتی
۰۲۶	۱۳۳۶	دکان کلاه مالی	چهارسوق شیرازی ها	فرح سلطان بنت آقا خدادهاد	روضه خوانی در مسجد خیابان خوش چهارسوق شیرازی ها
۰۲۸ و ۰۲۸/۱	۱۳۳۸	یخچال	دروازه حسن آباد	شیخ ابوالفضل و ملا محمد اسماعیل نقنه	صرف خیرات و میرات ، یخ در سقاخانه ، روضه خوانی
۳۳۵	۱۳۳۸	ملک و یک دست فرش پنجدری	شهشهان	عزیرالله تاجر خرازی	صرف روضه سید الشهداء

صرف روشنائی ، حصیر و فرش مسجد میرزا باقر در محله بید آباد و مسجد البنایی در چهارسوق	محمد کاظم فیروزی (وکیل الرعايا)	بید آباد ، چهار سوق شیرازی ها	دکاکین (نجاری و ندافی)	۱۳۳۹	۱۲۷/۱
صرف مدرسه متوسطه ، تصمیرات و مرمت مدرسه و حقوق اعضاء ، تحصیل علوم	صارم الدوله والد شاهزاده اکبر میرزا	ایاداران لنیان	عمارت باغ نو و باغ مشجر	۱۳۳۹	۱۴۸
۴۰ تومان برای امام جماعت مسجد چهارسوق ، ۱۰ تومان خواندن حدیث کساء در شبهای جمعه ، صوم و صلاة فقراء	رخساره خانم بنت میرزا محمودخان			۱۳۴۰	۷۱۷
روضه خوانی سیدالشهداء	حاج محمدابراهیم تاجر اصفهانی	پاقله	ملک	۱۳۴۰	۲۲۲
صرف تعلیم و تنلّم و امور خیریه	محمد علی تاجر نقشبینه	بواسحاقیه	خانه حسینیه	۱۳۴۳	۰۱۵
ده روز روضه سید الشهداء	محمد حسین و محمد آقا (ابان) امیرزا علی رضا خواجوی	محله خواجو	خانه خواجو	۱۳۴۴	۰۷۰

۸. کارکرد های فرهنگی - اجتماعی وقف در شهر اصفهان

همان طور که در فهرست موقوفات^{۴۲} مشاهده می شود عمل به وقف در شهر اصفهان از سال ۱۲۲۰ هـ ق آغاز شده و تا پایان سلسله قاجار ادامه دارد. تعداد موقوفات در زمان هر یک از شاهان سلسله به ترتیب عبارت است از: دوره فتحعلی شاه ۴ مورد ، دوره محمد شاه ۳ مورد ، دوره ناصرالدین شاه ۱۵ مورد ، دوره مظفرالدین شاه ۳ مورد ، دوره محمد علی شاه ۱ مورد و دوره احمد شاه ۱۲ مورد. شایان ذکر است بیشترین موقوفات در زمان ناصرالدین شاه با توجه به مدت زمان حکومت او و بعد از آن در زمان احمد شاه در شهر اصفهان صورت گرفته است.

وجود تنوع در خدمات وقفی با توجه به نیازهای مهم اجتماعی و درک صحیح از اولویت نیازهای اساسی ، سهم به سزایی در کارآمدی نقش آن در فعالیت های اجتماعی دارد. با توجه به فهرست موقوفات و مقایسه آن با کارکردهای نهاد وقف در دوران پیش از حکومت قاجار که بار مسئولیت های

اجتماعی، آموزشی و بهداشتی را بر عهده داشته است موقوفات از تنوع کمتری برخوردار بوده است. در این دوره با توجه به فرهنگ سنتی - مذهبی حاکم بر جامعه، وقف بر روضه خوانی، مراسم تعزیه، لوازم روشنایی، تأمین یخ برای عابران تشنه لب، اعانه به نیازمندان و انواع کمک به عتبات، عالیات و مساجد بسیار رایج است. در میان واقفان این دوره ۳ زن وجود دارد که موقوفات آنها اغلب روضه خوانی بوده است. اصطلاح روضه خوانی به جای تعزیه داری تبیین کننده نحوه مصرف وقف را نشان می دهد. این نوع وقف در عمل به معنای پرداخت دستمزد روضه خوان ها و فراهم کردن قهوه، آب و غذای رایگان برای جمعیت شرکت کننده در مجلس عزاداری است.^{۲۳}

از دیگر نکاتی که در فهرست موقوفات شایان ذکر است تجمع بناهای وقفی در بازار شهر است. فضاهای جغرافیایی حوزه های فرهنگی هر جامعه ای از جهان بینی و فرهنگ همان جامعه نشأت می گیرد، به خصوص حوزه وسیع فرهنگ اسلامی به شدت تحت تأثیر جهان بینی دین مبین اسلام قرار گرفته است. یکی از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد فضاهای جغرافیایی، موقوفاتی است که در اغلب سکونت گاه ها اعم از شهر و روستا وجود دارد. البته چنین حرکت و تعاون و همیاری، تنها به جامعه اسلامی تعلق ندارد بلکه سنتی قدیمی است که در بین ملل و ادیان مختلف همواره وجود داشته است. از فضاهای مهم جغرافیایی که حاصل فرهنگ هزاران سال تلاش بشری است شهرهای جهان اسلام است. آیا در جهان اسلام شهری وجود دارد که موقوفه نداشته باشد؟ حتماً خیر، حداقل تمام مراکز مذهبی - عبادی، موقوفه هستند که در حقیقت با تصمیم گیری و دخالت مستقیم مردم جامعه احداث شده اند و حکومت ها نقش کمتری در احداث آنها داشته و دارند. این سازماندهی های محیط زندگی که پیوسته با احداث بناهای وقفی توأم است از جنبه های بسیار مهم تأثیر وقف در آفرینش و پایداری فضاهای شهری است. وقف در جهان اسلام تنها به صورت تعاون و ایثار نیست، بلکه چنان در تمام شئون زندگی ریشه دوانیده که باید از آن به عنوان یک نظام نام برد؛ چه وقف تمامی ابعاد و جنبه های مختلف یک جامعه انسانی را شامل می شود به طوری که کمتر اموری را می توان یافت که از پوشش نظام وقف خارج باشد. متأسفانه با این همه اثرات گسترده وقف در فضاهای شهری مطالعات کمتری درباره آن صورت گرفته است. در این بخش با اثبات فرضیه تأثیر وقف در تمرکز بیشتر موقوفات در بازار شهر اصفهان و حواشی آن موضوع را ادامه می دهیم.

الف = موقوفات و بازار اصفهان

توسعه بازار و بنای بیشتر آن گاهی با اهداف مذهبی صورت گرفته است. بازار برای تأمین بودجه نگهداری بناهای با اهمیت و مهم مذهبی و مؤسسه های خیریه ساخته می شد. گاهی این نوع توجهات مذهبی جنبه سیاسی داشت تا اعتبار اجتماعی و سیاسی بانی آن را بالا ببرد. بناهای وقفی موجود در بازار اصفهان به صورت ماهرانه ای به بناهایی متصل می شدند تا برای مدت های طولانی از گزند موقوفه خوران در امان بمانند و درآمد آنها صرفاً جهت نگهداری موقوفات به کار رود، مانند اکثر دکان های واقع در بازار اصفهان که خرج مدارس و مساجد می شوند و غالباً در بازار تمرکز دارند.^{۲۴} حدود هشتاد درصد موقوفات در بازارها و چهارسوق شیرازی ها، میدان قدیم و بازار شهر قرار داشتند. اگر به تعداد این دکان ها، کاروانسراها، سقاخانه ها و حمام های وقفی را نیز بیفزاییم، متوجه می شویم که همگی آنها در محل های کسب و مرکز شهر واقع بوده اند. البته افرادی چون اکبر میرزا سعید (صارم الدوله) بودند که با وقف زمینی به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع، به منظور احداث مدرسه متوسطه (۱۳۴۳ ه.ق) در مکانی دور از مرکز شهر - محله الیاداران لبنان - خود سبب توسعه بافت شهر اصفهان به طور غیر مستقیم می گردیدند.^{۲۵} بنابراین پراکندگی جغرافیایی موقوفات شهر اصفهان دوره قاجار را می توان به صورت ذیل تعریف کرد:

مکان موقوفات ارتباط تنگاتنگی با واقفین آن داشته است زیرا بیشتر موقوفات در بازار و تیمچه ها و مراکز اقتصادی و معاملاتی شهر تجمع دارند و اگر بخواهیم آن را با ارقام ارائه دهیم حدود ۸۰ درصد موقوفات در بازارها و محلات قدیمی شهر تمرکز یافته بودند و این خود نشان دهنده آن است که پراکندگی موقوفات رابطه تنگاتنگی با مسئله بازار و اقتصاد دارد. در مسئله تمرکز یا پراکندگی موقوفات، وجود نهادهای مذهبی و تکایا و حسینیه ها نیز عامل بسیار مؤثر در این زمینه است. بدین معنا که در شهر هر جا مسجد موجود است بسیاری از موقوفات در آن نزدیکی و به مسجد اختصاص یافته است. بزرگ ترین بخش جامعه وقف کننده در دوره قاجار از تفکرات بسیار سنتی برخوردار بودند و نوع مصارف موقوفات آنها، هماهنگی و تناسب با نیازها و تحولات روز افزون جامعه به خصوص در شهر اصفهان نداشته است.

وقف در تکامل فضای بازار اصفهان نقش مهمی داشته و بیانگر اهمیت نهادهای مذهبی در این مرکز تجاری است. وجود درصد بالایی از اموال موقوفه در بازار و تلفیق آنها، موجب نفوذ ابعاد مذهبی

بر این مرکز سنتی - اقتصادی شده است. اهمیت این موضوع از نظر تحلیل اجتماعی نشانه رویکرد محافظه کارانه کسبه و تجار در برخورد با مسائل جامعه بوده است. وقف اگر چه موجب خروج پول از بخش خصوصی می شود اما نهادهای مذهبی شهر را تقویت می کند. وقف همانند مکانیسم بانکی عمل کرده موجب تجمع پول برای سرمایه گذاری در بخش مرکزی شهر شده و از جهت دیگر سبب اشتغال زایی می گردد؛ به طور مثال وقتی یک مسجد یا مدرسه تعمیر می شود، کارگران، هنرمندان و افرادی که به طریقی در این جهت خدمت می کنند، مزد گرفته و مورد حمایت وقف قرار می گیرند. اهمیت موقوفات را نباید تنها در کارکردهای اقتصادی و تقسیم ثروت یک جامعه جستجو کرد، بلکه باید به ارزش های فرهنگی - اجتماعی آن توجه داشت. موقوفات مقوله ای است که جامعه ما همیشه به آن نیاز دارد. طراحان شهری می توانند از این نیازها به نفع برنامه ریزی های عمران شهری بهره برده؛ زمین ها و یا فضاهای وقفی را که کاربری های نامطلوب و ضعیف تری دارند حتی به علت عدم نیاز جامعه شهری به صورت فضایی مرده درآمده اند را به مراکز آموزشی - بهداشتی - ورزشی و مواردی از این دست تبدیل کرده، این فضاها را دوباره احیاء و فعال کنند.

ب - مدارس و بازار اصفهان

عناصر کارکردی مدارس اصفهان عبارتند از: حجره هایی برای سکونت طلاب و مدرّس، محل تحصیل، کتابخانه، مسجد، اتاق خادم، چراغ دار، آبکش و سرویس های بهداشتی. از مدارس مهم واقع در بازار اصفهان مدرسه صدر است که به دستور حاج محمد حسین صدر اصفهانی مشهور به امین الدوله بنا گردید و علمای بزرگی چون: ملا محمد حسین فشارکی، شیخ محمد خراسانی، جهانگیر خان قشقایی، سید ابوالقاسم دهکردی مدرس آن بودند. این مدرسه تقلیدی از مدرسه سلطانی است.

ج - حمام ها

حمام ها معمولاً در سه منطقه شهر پراکنده جغرافیایی داشتند. اول در نزدیکی دروازه شهر؛ دوم حمام های واقع در مسیر بازار؛ سوم حمام مراکز محلات که معمولاً در نزدیکی مساجد و بازارچه های محلی قرار دارند و هسته های مرکزی محلات را پدید می آورند.^{۴۶} غالباً تعداد حمام های شهر با جمعیت آنها ارتباط مستقیم داشته چنانچه کرزن تعداد تقریبی جمعیت شهر تهران را از تعداد حمام های آن تخمین می زند.^{۴۷} افضل الملک تعداد حمام های دایر در شهر را ۵۲ باب دانسته که اکثر آنها

وقفی بوده اند.^{۴۸}

د - سقاخانه ها و سنگاب های وقفی

سقاخانه حاج آقا شجاع: این سقاخانه در بازار قلعه تبرک بر روی دیوار جنوبی آن واقع است و در زمینه متن کاشی های سقاخانه تاریخ ۱۳۲۴ ه.ق که زمان ساخت سقاخانه بوده نقش شده است. سقاخانه مسجد حکیم: روبه روی درب شرقی مسجد حکیم، سقاخانه ای قرار دارد که از سوی حاج محمد اسماعیل در سال ۱۲۴۳ ه.ق وقف شده و با خط نستعلیق برجسته چنین حک شده است: «وقف حضرت عباس بن علی نمود حاجی محمد اسماعیل ولدان علاف ولد مرحوم مغفور آقا محمد مهدی علاف به تاریخ یوم جمعه شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۴۳».

سنگاب مدرسه میرزا حسین: این مدرسه در محله بیدآباد نزدیک مسجد سید قرار دارد و سنگاب آن توسط حاج محمد کاظم پسر حاج محمد مهدی شهیر بقاری در سال ۱۲۷۵ ه.ق وقف حضرت سیدالشهداء شده است.

سنگاب امامزاده هارون ولایت: این امامزاده در خیابان هارونیه رو به روی مسجد علی واقع است و سنگاب آن توسط محمد حسین فرزند آقامسیح در سال ۱۲۶۱ ه.ق وقف حضرت سیدالشهداء شده است.

سنگاب مسجد دروازه نو: حاج محمد کریم اصفهانی در سال ۱۳۱۵ ه.ق دو سنگاب وقف حضرت عباس (ع) کرده است که در این مسجد قرار دارد.

سنگاب های مسجد مصری (۱۲۴۳ ق)، مسجد سید (۱۲۴۹ ق)، مسجد جارچی (۱۲۶۷ ق)، مدرسه صدر (۱۲۷۵ ق)، سنگاب های مسجد صفا (۱۲۹۰ ق)، مسجد محمد باقر چهارسوقی (۱۲۹۱ ق)، مسجد خان (۱۳۰۵ ق)، مسجد حاجی سید جواد (۱۳۳۲ ق)، همگی وقف حضرت سیدالشهداء هستند.^{۴۹}

۹. عوامل مؤثر در پراکندگی موقوفات

سنت حسنه و نهاد مردمی وقف که ریشه در آیات قرآنی «لن تتالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون»^{۵۰} و «یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات و مما أخرجنا لكم من الارض»^{۵۱} دارد، در برخی از دوره ها با رغبت مضاعف مردمی و در برخی دوران تاریخی بدون چنین تمایل و اشتیاقی به حیات خود ادامه

داده است. اینک با آگاهی اجمالی که از وضعیت شهر اصفهان و کیفیت موقوفات این عصر یافتیم می توان چنین دریافت که: عمومیت وقف و افزایش آن به عواملی مثل امنیت اجتماعی، افزایش ثروت عمومی، افزایش درآمد عمومی، کاهش فقر عمومی و حذف انحصارهایی که دولتمردان حق خود می دانند و سیاست و خط مشی آنان بستگی دارد. میزان موقوفات، به طور کلی حکایت از اعتقادات مذهبی و شرایط اقتصادی مردم دارد و از تحلیل آمار و اسناد موقوفات به همین نتیجه می رسیم. چنانکه در بین سال های قحطی ۱۲۸۶، ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸ در اصفهان تقریباً هیچگونه وقفی صورت نگرفته است.

البته میزان امنیت اجتماعی در مسأله اوقاف بی تأثیر نیست؛ زیرا اگر صاحب ملکی از سیاست دولت و مصادره اموال شخصی خویش در هراس بود، جهت حفظ ملک خود آن را وقف خویشان خود می کرد (وقف خاص) و بدین ترتیب اموال در تصرف خاندان فرد باقی می ماند. بخش اعظم از املاک و مستغلات مرحوم محمد رضا ابن آقا مندعلی^{۵۲}، حاجی علی نقی صراف^{۵۳} و یا املاک و رقبات دهگانه حاج رضا قلی خان^{۵۴} که از سوی دولت به اصفهان فرستاده شده بود، به منظور ممانعت از مصادره دولتی، وقف مسجد مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی رشتی (هجرت الاسلام) شد، شاهدی بر این واقعیت اجتماعی است.

نقش روحانیت در این دوره نه فقط در امور دینی و مراسم عبادی بلکه در دادرسی (محاکم شرع) و مسائل تعلیم و تربیت پر رنگ بود. آنان از نظر اقتصادی استقلال عمل داشتند و می توانستند از درآمدهای موقوفات و دیگر وجوه شرعی برای مشاهده متبرکه، عتبات عالیه، مدارس و مواردی از این دست کمک های درخوری جذب نمایند.

با نگاهی اجمالی بر وقف نامه ها و تأثیر روحانیت در جامعه و نهاد وقف می توان دریافت بسیاری از مصارف وقف یا مستقیماً به مسائل مذهبی مربوط است یا موقوفات بسیاری وقف مساجد شهر گشته است. به طور مثال موقوفات عبدالعلی ابن آقا محمد حسین دلال (مسجد استاد نوروز)^{۵۵}، خانان و قطعات عباس آباد از محمد رضا مندعلی (مسجد پناهی)^{۵۶}، موقوفات سیدهادی و سیدجعفر شیره یز (مسجد نو)^{۵۷} را می توان نام برد و وقف بسیاری از املاک و دکان ها که در نزدیکی و یا در محلات مساجد است خود نشان از آن دارد که بسیاری از موقوفات شهر در کنار مساجد و تکایا تمرکز داشته اند. یکی از این مساجد معروف که موقوفات بسیاری از سوی افراد و تجار مختلف و یا صاحب

منصبان بر آن وقف گردیده مسجد سید اصفهان است.

تجار و مالکان بزرگ نیز یکی از گروه های مؤثر بر نهاد وقف ، میزان موقوفات و کیفیت پراکندگی آن در سطح شهر اصفهان بوده اند. بیشتر املاکی که وقف می شد دکان بود. تقریباً بیش از نیمی از این موقوفات اختصاص به محل کسب و کار بازار داشت و اغلب آنها مربوط به محله های خاص (بازار و میادین قدیمی شهر) بود.

۱۰. واقفان شهر اصفهان

تعاریف متعارفی چون موقعیت فرد در بازار ، رابطه با ابزار تولید و شغل ، جایگاه طبقاتی افراد را از نظر سنتی روشن می کند. البته جایگاه طبقاتی افراد را نباید فقط بر مبنای اقتصاد و اشتغال ارزیابی کنیم. بلکه باید نقش عوامل فرهنگی را در نظر گرفت.^{۵۸} به منظور شناسایی بیشتر جایگاه وقف در جوامع تاریخی ایران ، بررسی پایگاه اجتماعی واقفان از نظر رده اجتماعی ، وضعیت اقتصادی ، باورهای مذهبی ، انگیزه های فرهنگی و تاریخ اجتماعی آن مقطع زمانی خاص ، حائز اهمیت است. به طور نمونه اگر در جامعه ای تنها دولتمردان یا طبقه ای خاص و یا در شرایط و موقعیت هایی ویژه مبادرت به وقف نمایند می توان ادعا کرد که نهاد وقف در آن جامعه تک بعدی یا انحصاری است و باید در جستجوی علل تک بعدی بودن آن برآییم. در اینجا منظور ما از طبقات اجتماعی تشکیک افراد به لحاظ اقتصادی نیست - اگرچه یکی از شیوه های تقسیم بندی اجتماعی میزان درآمد افراد است - بلکه آنچه مورد توجه است؛ پایگاه اجتماعی و ائتمان ، نوع شغل و کسب و کار ، میزان تحصیلات و مواردی از این دست است. اگرچه هنوز وقف نامه هایی موجود است که در حال حاضر دسترسی به آنها امکان پذیر نیست و در ارائه زندگی نامه واقفان آنها کمی ها و کاستی هایی وجود دارد ؛ اما تلاش می شود با اطلاعات موجود در حد طرح مسئله ، تحلیلی از اسناد ارائه گردد. طبقه اجتماعی واقفان را در دوره قاجار می توان به چهار طبقه تقسیم کرد:

- طبقه مالکان بزرگ و اویستگان به مراکز قدرت و حکومت که عده ای از روحانیان نیز در این طبقه قرار می گیرند.^{۵۹}

- طبقه تجار و بنکداران عمده (تجار اصفهانی از جمله طبقات اجتماعی بودند که در عمران و آبادی شهر اصفهان نقش کلیدی داشتند. از جمله حاج آقا محمد ملک التجار ، حاج عبدالباقی تاجر قزوینی ، آقا محمد تاجر قزوینی ، حاج سید ابراهیم تاجر قزوینی ، حاج سید محمد تقی نقشینه ، حاج

عبدالحسین تاجراصفهانی ، حاج محمد حسین کازرونی و دیگران)

- کسبه جزء و متوسط الحال

- کشاورزان خرده پا

این گروه های چهارگانه نیات خود را در قالب موضوعات ذیل در وقف نامه هایی که از خود به یادگار گذاشته اند ، نشان داده اند. برای اثبات این فرضیه که اهداف بیشتر واقفان ، برطرف کردن نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه شهری اصفهان است ، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ارائه خدمات فرهنگی از قبیل ساختن مدرسه ، کتابخانه ، نشر کتب ، تشکیل کلاس های تعلیم قرآن ، احکام دین.

- روضه خوانی حضرت اباعبدالله الحسین و دیگر معصومین در ایام خاص در مساجد ، تکایا و منازل و طبع غذای رایگان برای مستمندان.

- ساختن مساجد ، حسینیه ها ، تکایا ، حوزه های علمیه ، آب انبارها ، بیمارستان ، درمانگاه و قبول پرداخت مخارج عمران و آبادی.

- ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی و دارو و درمان رایگان ، به گونه ای که عموم طبقات بتوانند استفاده کنند و به دین و مذهب یا گروه خاصی منحصر نباشد.

- عمران و آبادی و آب رسانی به شهر ، حفر قنوات و چاه آب و احداث و تعمیر پل و ساختن حمام و سوخت رسانی به آنها و تعمیر بقاع متبرکه.

- پرداخت هزینه های ردّ مظالم و ادای فرایض از قبیل نماز ، روزه استیجاری ، زیارت قبور امامان معصوم (ع) و کمک به سادات ، فقیران و ابناء السبیل.

۱۱. ویژگی های وقف در دوره قاجار در شهر اصفهان

با توجه به شرایط فرهنگی و اوضاع سیاسی - اقتصادی این دوره وقف نیز تحت تأثیر این شرایط دارای ویژگی های منحصر به خود است. با مطالعه و بررسی وقفیات این دوره و مقایسه آن با دوره پیشین به تفاوت های آشکاری در این زمینه پی می بریم که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تأثیر حوادث غیر مترقبه و یا حوادث تاریخی در امر وقف

مسائلی چون قحطی ، شیوع بیماری های مُسری ، جنگ ها و نزاع های داخلی ، دست به دست شدن قدرت ، تغییر سیاست های دولتمردان یک جامعه ؛ همگی از جمله عواملی هستند که در افزایش

و یا کاهش موارد وقفی در این دوره تأثیر مستقیم داشته اند. آرامش نسبی و امنیت سیاسی هم از مهم ترین عوامل توجه بزرگان و عموم مردم به مشارکت در امور عام المنفعه بوده است. با توجه به تاریخ وقفیات در جدول فهرست موقوفات می توان دریافت که میزان وقفیات بین سال های ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۸ در شهر اصفهان تقریباً به صفر رسیده است.

۲- عدم مشارکت اقلیت های دینی در امر وقف

اگرچه می دانیم کمتر می توان جامعه ای را یافت که در آن وقف وجود نداشته باشد و در تمامی ادیان موقوفات بسیاری برای امور مذهبی و نیز امور عام المنفعه صورت پذیرفته است ، اما غالباً استفاده کنندگان این موقوفات از پیروان همان ادیان بوده اند. در جدول موقوفات در صفحات ... ، واقفان قید کرده اند که استفاده کنندگان از موقوفات مسلمان یا شیعه اثنی عشری باشند ؛ گویا موضوعیت وقف در شروط استفاده کنندگان مؤثر بوده است. در همین دوره در یزد با انبوه کثیری از وقف قنات های آب توسط مسلمانان و زرتشتیان روبرو هستیم که هر دو گروه ؛ استفاده از آن را برای همگان قید نموده اند.^۶ البته منظور ما این نیست که سایر اقلیت های دینی در این دوره وقفی نداشته اند بلکه بهره مندان از موقوفات آنها مسلمانان نیستند.

۳- تأثیر مشارکت دولتمردان و بزرگان مملکت در امر وقف

مشارکت بزرگان مملکت در امر وقف از دو جهت حائز اهمیت است: کار آنان الگویی برای دیگران است و دیگر آنکه به سبب در اختیار داشتن ثروت های عظیم ، رقبه های کلانی به منظور تعمیر ، مرمت ، مخارج نگهداری و هزینه های جانبی وقفیات اختصاص داده و همین امر سبب ماندگاری بیشتر آثار در طول زمان می گردد. از نمونه های آن می توان به مدرسه و بازار صدر اصفهانی ، مسجد و بازار سید ، مدرسه متوسطه صارمیه ، مجموعه وقفیات رکن الملک و از سلسله های ماقبل قاجار ، آثار مشهور صفویه را که همچنان پابرجاست نام برد.

۴- میزان تحصیلات

میزان تحصیلات و گستره فکری بانی امور خیر همچون امور دیگر ، با موضوعات وقف یا کاربری موقوفه ها رابطه مستقیم دارد. چنانکه علمای دینی و کسبه به دلیل دید مذهبی و بیشتر سنتی به مسائل ، بانیان مؤسسه و نهادهای دینی با کاربری صرفاً مذهبی بوده اند. اگر در بین آنها ، افراد تحصیل کرده به معنای کلاسیک آن وجود داشت ، بر روی کاربری وقفیات آنها تأثیر مستقیم داشت. از آن میان می

توان به شاهزاده اکبر میرزا صارم الدوله ، مؤسس اولین مدرسه متوسطه در اواخر سلسله قاجار در شهر اصفهان اشاره کرد.

۵- نقش زادگاه و اهلیت در وقف

واقفان بیشتر یا در شهر زادگاه خود وقف می کنند یا در شهری که در آن ساکن هستند و یا در محلی که صاحب مستغلات می باشند اقدام به وقف می نمایند. آنها غالباً در جاهایی که علقه خاصی بدان ندارند اقدام به وقف نمی کنند. البته این جدای از موقوفاتی است که بر اماکن مذهبی وقف می شود. برخی وقف های این دوره برای اماکن مقدس و آن هم خارج از مرزهای ایران - نجف اشرف ، کربلا و کاظمین - صورت گرفته که از آن میان می توان به موقوفات مرحوم محمد حسین صدر اصفهانی ، رکن الملک و دیگران اشاره نمود.

۶- جنسیت و تأثیر آن در وقف

باید در نظر داشت که برای وقف پیش از هر چیز توان مالی لازم است و واقف می بایست چیزی از خود داشته باشد که بتواند آن را وقف کند. در دورانی که زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی شرکت مستقیم نداشتند ، چگونه می توان انتظار داشت اموال یا املاکی را وقف نمایند؟ با رجوع به جداول حاوی اطلاعات موقوفات و اسامی واقفان ، می توان به آسانی دریافت که تعداد واقفان زن بسیار اندک بوده است.

۷- علایق و توجهات واقفان

باید به این واقعیت اذعان کرد که انگیزه های واقفان از وقف اموال خود از کسب ثواب اخروی گرفته تا به دست آوردن وجهه اجتماعی ، فرار از مالیات و یا اختلافات خانوادگی منجر به وقف می شده است. با این حال توجه به برخی از شروط مؤکد در وقف نامه ها تا حدی بیانگر علایق و توجهات آنان است. به طور مثال در برخی از وقف نامه ها که حفظ موقوفه اهمیت بسیاری داشته ، واقف با وقف آن بر اولاد و احفاد خویش با عناوینی چون: تولیت و حق نظارت ، از تکه تکه شدن دارایی خود توسط وارثانش و در نتیجه کاهش محصول جلوگیری کرده است. بدین ترتیب با بخشیدن اندکی از درآمد موقوفه هم از منظر اجتماعی فرد خیر محسوب می شده هم نیز اموال خود را از گزند حوادث مصون می داشته است.

نتیجه:

در ایران اسلامی وقف رایج ترین و همگانی ترین سنتی است که نفوذ آن را در زندگی روزمره در اجتماع سراغ داریم. این امر از مختصات نظام حقوقی و اقتصادی اسلام بوده که به صورت تعاونی تکامل یافته درآمده و جوامع اسلامی را دوام و قوام بخشیده است. بیشتر آثار پیشین در شهرهای اسلامی و از جمله شهر اصفهان موقوفه اند. اگر آنها موقوفه نبودند و رقبه نداشتند شاید بناهای شهر این چنین باقی نمی ماندند. زیرا رقبات، نخست جهت حفظ و پایداری موقوفات به کار می رفته و در مرحله بعد برای مقاصد دیگر خرج می شده است.

از مختصات وقف در شهر اصفهان دوره قاجار گسترش آن تا حدی بین افراد متوسط الحال مانند کسبه و مردم عادی و تمرکز آن در بازار اصفهان و مرکز شهر است. همین که زندگی نامه بسیاری از واقفان موجود در لیست موقوفات نامعلوم است خود دلیلی است بر این مدعا. در حالی که در دوره صفویه وقف بیشتر مختصی درباریان، علمای دارای مشاغل رسمی و قشر مرفه چون بازرگانان بوده است. اما در مصارف و کاربری های موقوفات این دوره در شهر اصفهان تغییر چشمگیری در مقایسه با دوره صفوی وجود ندارد. مصارف و قفیات این دوره اغلب سنتی - مذهبی (مخارج سید الشهداء، کمک به زوار، ساختن مدرسه و مسجد و حمام، تعمیر بنای امامزادگان، تأمین مخارج تحصیل طلاب علوم دینی، ترویج مذهب تشیع، اعانت به سادات و مستحقان و خواندن زیارت و قرآن) بوده است. تجمع موقوفات و گسار رقبات آنها در بازار که همیشه جزئی از بافت سنتی جامعه محسوب می شده و بازاریان که یکی از عمده طبقات اجتماعی تأمین کننده برنامه های مذهبی جامعه بوده اند از ویژگی های دیگر وقف در این دوره است.

بنابراین با بررسی موقوفات و مقایسه آنها با دوره صفوی می توان گفت با گسترش وقف در دوره قاجار بین عموم مردم، وقف به درجه جامعه پذیری رسیده بود. در واقع یکی از ارکان وقف، واقف یا وقف گزاران می باشند که رونق نهاد وقف رابطه مستقیم با کثرت واقفان و حجم عملکرد وقفی آنها دارد. افزایش واقف و افزایش عملکرد وقفی واقف نیز به عوامل متعدد وابسته است از جمله: آگاهی، تدین و باورهای دینی، مسئولیت پذیری و حس همدردی اجتماعی، اقتضات و نیازهای اجتماعی و همچنین باید شبکه ای از عوامل زیر تشکیل شود تا مقوله افزایش و تعمیم وقف رخ دهد:

- جمعیت زیادی باید وجود داشته باشد تا بخشی از اموال خود را وقف کنند. بنابراین اصفهان دوره قاجار که دارای جمعیت کمتری نسبت به عصر صفوی است به همان نسبت دارای واقفان کمتری است.

- این جمعیت باید به اندازه کافی تمکن مالی داشته باشد تا این نوع گذشت و توجه به هم نوع صورت بگیرد.

- وجود امنیت عمومی؛ چنانچه واقفان موقوفات خود را در معرض ناپودی، انحصارگرایی، مصادره به نفع یک جریان یا دولت ببینند از وقف خودداری کرده که این موضوع هم باعث کاهش وقف و نیز از بین رفتن عمومیت آن می شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها و ارجاعات:

- ۱- مافروخی اصفهانی ، مفصل بن سعد ، (۱۳۸۵)، محاسن اصفهان ، ترجمه حسین بن محمد آوی به کوشش عباس اقبال آشتیانی ، چاپ اول ، اصفهان ، شهرداری اصفهان ، صص ۱۲۶ - ۱۲۵ .
- ۲- شفق ، سیروس ، (۱۳۸۴) ، بازار بزرگ اصفهان ، چاپ اول ، اصفهان ، شهرداری اصفهان ، صص ۴۹۲ .
- ۳- مافروخی اصفهانی ، محاسن اصفهان ، صص ۱۸۱ .
- ۴- جناب ، میرسید علی ، (۱۳۷۱) ، الاصفهان ، محمد رضا ریاضی ، چاپ دوم ، اصفهان ، انتشارات گلها ، صص ۱۷ - ۴ .
- ۵- میرزا غلامحسین افضل الملک ، (۱۳۸۰) ، سفرنامه اصفهان ، به کوشش ناصر افشارفر ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، پاورقی صص ۷۴ - ۷۳ .
- ۶- تحویلدار ، میرزا حسین خان ، (۱۳۴۲) ، جغرافیای اصفهان ، به کوشش منوچهر ستوده ، چاپ اول ، تهران ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ، صص ۳۱ و ۶۵ . [کتاب به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۴ ه. ق. نوشته شده است .]
- ۷- دالمانی ، رنه ، سفرنامه از خراسان تا بختیاری ، صص ۹۴۸ ؛ عیسوی ، چارلز ، (۱۳۶۲) ، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ، ترجمه یعقوب آژند ، چاپ اول ، تهران ، نشر گستره ، صص ۴۳۲ - ۴۳۱ .
- ۸- تحویلدار ، جغرافیای اصفهان ، صص ۱۲۶ - ۱۲۵ .
- ۹- همان ، صص ۱۰۴ - ۹۳ .
- ۱۰- جابری انصاری ، حسن ، (۱۳۲۱) ، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان ، اصفهان ، صص ۲۷۹ و ۲۸۰ .
- ۱۱- این محله به دلیل اینکه مرحوم سید شفتی مسجد معروف خویش (مسجد سید) را در این مکان بنا نهاد جزء شهر محسوب گشت و قبل از آن خارج دروازه شهر واقع بود. در احصائیه سال ۱۲۹۷ ق این محله بزرگترین محله شهر بوده که حدود ۱۰۵۵ باب خانه و ۸۱۸۵ نفر جمعیت داشته است. در سالهای اخیر بازارچه پیدآباد توسط سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری به نیکویی مرمت شده است: جناب ، الاصفهان ، صص ۲۰۲ . راجع به سیر و تحول این محله و مسجد مذکور : رک: مهدوی ، مصلح

- الدین، بیان المفاخر (در احوال عالم جلیل حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی) .
- ۱۲۷- جناب، الاصفهان، صص ۲۰۴- ۲۰۱؛ جابری انصاری، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، صص ۱۰۰- ۹۷؛ افضل الملک، سفرنامه اصفهان، صص ۲۶- ۲۵.
- ۱۳۸- چهار باغ خواجو به مناسبت ورود فتحعلی شاه به این مکان به فتح آباد نیز شهرت یافته است. ر: جابری انصاری، حسن، (۱۳۷۸)، تاریخ اصفهان، ص ۱۶۰.
- ۱۴۹- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا، (۱۳۴۰)، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، چاپ اول، تهران، چاپخانه موسوی، صص ۲۳ و ۲۴.
- ۱۵۱۰- ندیم الملک، حیدر علی، تاریخ مختصر اصفهان، به نقل از، سیروس شفتی (۱۳۵۳)، جغرافیای اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ص ۲۹۸.
- ۱۶۱۱- پیر لوتی، صص ۱۸۸- ۱۸۷.
- ۱۷۱۲- نجم الملک، عبدالنفار، (۱۳۴۱)، سفرنامه خوزستان، به کوشش محمود دبیر سیاقی، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی، ص ۱۷۵.
- ۱۸۱۳- شفتی، سیروس، (۱۳۷۶)، «وقف در اصفهان»، وقف میراث جاویدان، ش ۴ و ۳، ص ۳۴.
- ۱۹۱۴- شفتی، جغرافیای اصفهان، ص ۳۵۱.
- ۲۰۱۵- همان، ص ۳۲۰.
- ۲۱۱۶- جناب، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.
- ۲۲- سیف الدوله محمد میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار بود که همراه پدر جهت خاموش کردن فتنه هاشم خان لیبانی به سال ۱۲۴۰ به اصفهان آمد. سفرنامه ای موسوم به «سفرنامه مکه» از او باقی مانده که فصلی را به تفصیل بنا و آبادی شهر اصفهان اختصاص داده و مدعی است که عمارت های باغ کاج، رشک جهان، قصر منظر، باغ خلد برین، خلوت سرپوشیده و چهار حوض را خود ساخته است. مقر حکومتی او عمارت باغ کاج بوده است و در دوران حکومت ظل السلطان دیوان مظالم در این ساختمان مستقر شد. تحویلدار، میرزا حسین، جغرافیای اصفهان، ص ۲۲. لسان الملک سپهر، محمد تقی، (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ (قاجاریه)، به کوشش جمشید کیانفر، ج ۲، چاپ اول، تهران، اساطیر، صص ۶۳۰- ۶۲۸؛ همایی، جلال الدین، (۱۳۸۱)، تاریخ اصفهان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چاپ اول، تهران، نشر هما، ص ۹۵.

- ۲۳- همایی ، تاریخ اصفهان ، ص ۹۵ .
- ۲۴- لسان الملك سپهر، محمد تقی، *ناسخ التواریخ* (ج ۲) ، ص ۷۳۰ . همایی ، جلال الدین ، تاریخ اصفهان ، صص ۶ - ۹۵ .
- ۲۵- جابری انصاری ، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان ، صص ۸ - ۸۷ و ۳۶۸ - ۲۳۷ .
- ۲۶- جابری انصاری ، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان ، ص ۴۶ .
- ۲۷- جابری انصاری ، تاریخ اصفهان (تعلیقات) ، ص ۲۸۰ .
- ۲۸- آدمیت، فریدون ، (۱۳۸۵)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)* ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات خوارزمی ، ص ۱۲۰ .
- ۲۹- روزنامه ایران ، ش ۲۸ ، ۱۱ جمادی الاول ۱۲۸۸ ، به نقل از : رجایی عبدالمهدی ، (۱۳۸۳) ، *تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان* ، ص ۱۳۶ .
- ۳۰- به کوشش ابراهیم صفایی ، (۱۳۵۰) ، *اسناد برگزیده سپهسالار - ظل السلطان - دبیر الملک* ، تهران ، انجمن تاریخ ، صص ۳۹ و ۴۰ .
- ۳۱- سعادت نوری ، حسین ، (۱۳۴۷) ، *ظل السلطان* ، (ج ۱) ، تهران ، وحید ، ص ۵۶ .
- ۳۲- واتقی ، صدر ، (۱۳۵۵) ، *سید جمال الدین پایه گذار نهضت های اسلامی* ، چاپ دوم ، تهران ، پیام ، ص ۲۹ .
- ۳۳- جابری انصاری ، تاریخ اصفهان ، ص ۲۹۷ .
- ۳۴- همان ، صص ۴۰ - ۳۶ .
- ۳۵- الاصفهانی (ارباب) ، محمد مهدی ، (۱۳۴۰) ، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان* ، تصحیح منوچهر ستوده ، تهران ، چاپخانه موسوی ، ص ۲۸ .
- ۳۶- سینتا ، عبدالحسین ، (۱۳۴۷) ، *تاریخچه اوقاف اصفهان* ، چاپ اول ، اصفهان ، اداره کل اوقاف ، ص ۱۵۰ .
- به نقشه سید رضا سلطان در صفحه ... شود .
- ۳۷- کرزن ، جرج ناتانیل ، (۱۳۴۷) ، *ایران و مسئله ایران* ، علی جواهرکلام ، چاپ سوم ، تهران ، ابن سینا ، صص ۱۳۳ - ۱۳۲ .
- ۳۸- براون ، ادوارد گرانویل ، (۱۳۸۷) ، *یکسال در میان ایرانیان* ، ترجمه مانی صالحی علامه ، چاپ

چهارم، تهران، اختران، ص ۲۲۹.

۳۳-۳۹- پیر لوتی نویسنده ی فرانسوی زبان، در اواخر دوره قاجار حدود سال ۱۳۲۳ق. به ایران سفر کرده و از جنوب کشور تا شمال ایران به سیر و سیاحت پرداخته و از طریق دریای خزر از کشور خارج شده است. وی سفرنامه خود به نام «به سوی اصفهان» را در سال ۱۳۲۴ق. (۱۹۰۶ م.) منتشر کرده است.

۳۴-۴۰- لوتی پیر، (۱۳۷۲)، به سوی اصفهان، ترجمه بدرالدین کتابی، چاپ اول، نشر اقبال، صص ۱۷۸-۱۷۶ و ۱۸۸-۱۸۵.

۳۵-۴۱- دوران، ا. ر.، (۱۳۴۵)، سفرنامه دوران، ترجمه علی محمد ساکی، چاپ اول، خرم آباد، بی نا، ص ۵۳.

۳۶-۴۲- جابری انصاری، تاریخ اصفهان، صص ۲۸، ۵۴ و ۷۰-۶۰.

۳۷-۴۳- وقف نامه های موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه استان اصفهان؛ فهرست اسناد موقوفات سازمان اسناد و مدارک ملی ایران پیوست ضمائم (سند شماره ۲۱۳۸۵-۲۹۷۰)؛ حسینی اشکوری، اسناد موقوفات اصفهان، ج ۱ و ۲.

۳۸-۴۴- نژادگیل، پیتز، (۱۳۷۶)، زبانشناسی اجتماعی، ترجمه محمد طباطبایی، چاپ اول، تهران، آگه، ص ۳۶.

۳۹-۴۵- پویا، اقبال قاسمی، (۱۳۷۷)، مدارس جدید در دوره قاجاریه بانیان و پیشروان، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۴۰۴-۴۰۳.

۴۰-۴۶- شفق، سیروس، (۱۳۸۴)، بازار بزرگ اصفهان، چاپ اول، اصفهان، شهرداری اصفهان، ص ۳۲۱.

۴۷-۴۷- کرزن، جرج ناتانیل، (۱۳۴۷)، ایران و مسئله ایران، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ سوم، تهران، ابن سینا، ص ۵۹.

۴۸- افضل الملک، میرزا عبدالحسین، ص ۴۰.

۴۹- دادمهر، منصور، (۱۳۷۸)، سقاخانه ها و سنگابهای اصفهان، چاپ اول، اصفهان، انتشارات گلها، صص ۱۵۰-۱۳۲.

۵۰- «هرگز به نیکو کاری نخواهید رسید تا از آنچه دارید انفاق کنید.» آل عمران/ ۹۲.

- ۵۱- «ای کسانی که ایمان آورده اید از چیزهای پاکیزه که بدست آورده اید و از آنچه برای شما از زمین آورده ایم انفاق کنید.» بقره/ ۲۶۷.
- ۵۲- املاک وی در محله عباس آباد - ملک شاه بازی (شش طاق خروه)، ر. ک. : جدول ش ۱ در فهرست موقوفات : حسینی اشکوری ، سید صادق، (۱۳۸۷)، اسناد موقوفات اصفهان ، (ج ۲) ، چاپ اول ، قم ، انتشارات مجمع ذخایر اسلامی ، صص ۹۳ - ۵۹ .
- ۵۳- نیمی از اموال خود را به منظور ابقاء و حفظ ثروت ؛ وقف اولاد و همسر خویش (وقف خاص) ، و بخش دیگر را وقف روضه خوانی و دادن سفره به شرط برگزاری مراسم در خانه خود نمود . همان ، (ج ۲) ، صص ۳۵۵ - ۳۵۰ .
- ۵۴- اموال وی واقع در محله بید آباد (خیابان مسجد سید امروزی) بوده است . همان ، (ج ۲) ، صص ۲۸۱ - ۲۷۷ .
- ۵۵- سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان ، شماره پرونده ۱۹ .
- ۵۶- حسینی اشکوری ، اسناد موقوفات اصفهان ، (ج ۱) ، صص ۹۱ .
- ۵۷- همان ، (ج ۲) ، صص ۴۸۰ .
- ۵۸- گیدنز، آنتونی ، (۱۳۸۷)، جامعه شناسی ، ترجمه حسین چاوشیان ، چاپ هشتم ، تهران ، نی ، صص ۴۲۹ .
- ۵۹- روحانیان در یک طبقه از نظر جایگاه اقتصادی - اجتماعی قرار نمی گرفتند . رهبران مذهبی ، حکام شرع ، ملایان مکتب خانه ها ، قباله نویس ها قرار داشتند . گاهی یک روحانی در رأس صنف خود قرار می گرفت . جان فوران می نویسد : از سال ۱۱۴۳ ق. از مساحت املاک موقوفه کاسته شد. اما باز هم املاک وقفی وجود داشت و درآمد آن به عده ای از مقامهای روحانی می رسید . عده ای از آنان جزء زمینداران بودند مانند : شیخ الاسلام سید محمد باقر شفتی رشتی (۱۲۶۰ - ۱۱۷۵ ق.) و برخی نیز از دولت مقرر می گرفتند. آنهایی که به مقام والای اجتهاد می رسیدند مورد احترام و اعتماد مردم بوده و مستقل از دولت عمل می کردند . گاه ثروت و گاه علم و تقوای روحانیان آنها را از یکدیگر متمایز ساخته و سبب فاصله طبقاتی بین آنها می شد . ر. ک. : فوران، جان ، (۱۳۸۵) ، مقاومت شکننده تاریخ تحولات ایران (از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب) ، ترجمه احمد تدین ، چاپ ششم ، تهران ، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا ، صص ۴ و ۲۰۳ .

۶۰- برای اطلاعات بیشتر در مورد وقف قنات و آب انبار در دوره قاجاریه توسط مسلمانان و زرتشتیان به منظور استفاده عموم، ر. ک: ایرج افشار، (۱۳۷۴)، یادگارهای یزد، ج ۲، چاپ دوم، یزد، خانه کتاب.

منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم، آل عمران/۹۲؛ بقره/۲۶۷

۲- آدمیت، فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، چاپ سوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵

۳- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، چاپ اول، تهران، چاپخانه موسوی، ۱۳۴۰

۴- احمدی، نزهت، وقف و گسترش امور درمانی، چاپ اول، تهران، بنیاد پژوهش و توسعه وقف، ۱۳۸۷،

۵- افضل الملک، میرزا غلامحسین، سفرنامه اصفهان، به کوشش ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰

۶- افشار، ایرج، یادگارهای یزد، چاپ دوم، یزد، خانه کتاب، ۱۳۷۴

۷- براون، ادوارد گرانویل، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، چاپ چهارم، تهران، اختران، ۱۳۸۷

۸- پرونده ۱۹، سازمان اوقاف و امور خیریه استان اصفهان

۹- پویا، اقبال قاسمی، مدارس جدید در دوره قاجاریه، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷

۱۰- تحویلدار، میرزا حسین خان، جغرافیای اصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۲

۱۱- جابری انصاری، حسن، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، اصفهان، روزنامه خرد، ۱۳۲۱

۱۲- جابری انصاری، حسن، تاریخ اصفهان (تعلیقات)، مصحح جمشید مظاهری، چاپ اول، اصفهان، مشعل، ۱۳۷۸

۱۳- جناب، میرسید علی، الاصفهان، محمد رضا ریاضی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات گل با

- ۱۳۷۱ ،
- ۱۴- حسینی اشکوری ، سید صادق ، اسناد موقوفات اصفهان ، چاپ اول ، قم ، انتشارات مجمع ذخایر اسلامی ، ۱۳۸۷
- ۱۵- دادمهر ، منصور ، سقاخانه ها و سنگاب های اصفهان ، چاپ اول ، اصفهان ، انتشارات گل ها ، ۱۳۷۸
- ۱۶- دالمانی ، هانری رنه ، سفرنامه از خراسان تا بختیاری ، ترجمه فره وشى ، چاپ اول ، تهران ، کتاب فروشى ابن سینا ، ۱۳۳۵
- ۱۷- دوراند ، ا.ر. ، سفرنامه دوراند ، ترجمه علی محمد ساکی ، چاپ اول ، خرم آباد ، بی نا ، ۱۳۴۵
- ۱۸- رجایی ، عبدالمهدی ، تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظلّ اُلسلطان (از نگاه روزنامه فرهنگ) ، چاپ اول ، اصفهان ، دانشگاه اصفهان ، ۱۳۸۳
- ۱۹- سینتا ، عبدالحسین ، تاریخچه اوقاف اصفهان ، چاپ اول ، اصفهان ، اداره کل اوقاف ، ۱۳۴۶
- ۲۰- سمدت نوری ، حسین ، ظلّ السلطان ، (ج ۱) ، تهران ، وحید ، ۱۳۴۷
- ۲۱- شفقى ، سیروس ، وقف در اصفهان ، وقف میراث جاویدان ، ش ۴ و ۳ ، ۱۳۷۶
- ۲۲- شفقى ، سیروس ، بازار بزرگ اصفهان ، چاپ اول ، اصفهان ، شهرداری اصفهان ، ۱۳۸۴
- ۲۳- شفقى ، سیروس ، جغرافیای اصفهان ، اصفهان ، دانشگاه اصفهان ، ۱۳۵۳
- ۲۴- صفایی ، ابراهیم ، اسناد برگزیده سپهسالار - ظلّ السلطان - دبیر الملک ، تهران ، انجمن تاریخ ، ۱۳۵۰ ،
- ۲۵- عیسوی ، چارلز ، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ، ترجمه یعقوب آژند ، چاپ اول ، تهران ، نشر گستره ، ۱۳۶۲
- ۲۶- کرزن ، جرج ناتانیل ، ایران و مسئله ایران ، علی جواهرکلام ، چاپ سوم ، تهران ، ابن سینا ، ۱۳۴۷
- ۲۷- گیدنز ، آنتونی ، جامعه شناسی ، ترجمه حسین چاوشیان ، تهران ، نی ، ۱۳۸۷
- ۲۸- فوران ، جان ، مقاومت شکننده ، تاریخ تحولات ایران (از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب) ، ترجمه احمد تدین ، چاپ ششم ، تهران ، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا ، ۱۳۸۵
- ۲۹- لسان الملک سپهر ، محمد تقی ، ناسخ التواریخ (قاجاریه) ، به کوشش جمشید کیانفر ، چاپ اول

تهران ، اساطیر ، ۱۳۷۷

۳۰- لوتی ، پیر ، به سوی اصفهان ، ترجمه بدرالدین کتابی ، چاپ اول ، نشر اقبال ، ۱۳۲۴

۳۱- مافروخی اصفهانی ، مفضل بن سعد ، محاسن اصفهان ، ترجمه حسین بن محمد آوی به کوشش

عباس اقبال آشتیانی ، چاپ اول ، اصفهان ، شهرداری اصفهان ، ۱۳۸۵

۳۲- مهدوی ، مصلح الدین ، بیان المفاخر (در احوال عالم جلیل حاج سید محمد باقر حجة الاسلام

شفتی بیدآبادی) ، چاپ اول ، قم ، مسجد سید ، ۱۳۶۸

۳۳- نجم الملک ، عبدالنفر ، سفرنامه خوزستان ، به کوشش محمود دبیر سیاقی ، تهران ، مؤسسه

مطبوعات علمی ، ۱۳۴۱

۳۴- ترادگیل ، پیتر ، زبان شناسی اجتماعی ، ترجمه محمد طباطبایی ، چاپ اول ، تهران ، آگه ،

۱۳۷۶

۳۵- واتقی ، صدر ، سید جمال الدین پایه گذار نهضت های اسلامی ، چاپ دوم ، تهران ، پیام ،

۱۳۵۵

۳۶- همایی ، جلال الدین ، تاریخ اصفهان ، به کوشش ماهدخت بانو همایی ، چاپ اول ، تهران ،

نشر هما ، ۱۳۸۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی